

A Study of the “Women-Friendly City” in the Context of Citizens’ Lived Experiences To achieve Sustainable Development

Mahtab Moosavi 

M.A. Student in Environmental Planning, Department of Environmental Planning and Management and HSE, Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran

Amirali Boroumand¹ 

Ph.D. in Environmental Planning, Department of Environmental Planning, Management and HSE, Graduate Faculty of Environment, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 9 February 2025 Revised: 18 April 2025 Accepted: 19 April 2025

Abstract

The rapid expansion of cities, coupled with the challenges of urban life, has highlighted the requirements for sustainable development. This study aimed to examine and identify the network of issues confronting women in the urban sphere as a prerequisite for a women-friendly city. A qualitative approach was adopted, using grounded theory as the research method and semi-structured in-depth interviews as the data collection instrument. To achieve theoretical saturation and maximum variation for explaining the phenomenon under study, 25 participants were interviewed through purposive sampling, both face-to-face and virtually. Axial codes, categorized as causal conditions, included “the formation of cities based on men’s systems of thought, needs, and capabilities,” “insecurity of urban spaces for women,” “confinement of women to the domestic environment and household responsibilities,” “imbalance in the allocation of economic and social capacities and opportunities,” “lack of new and supportive legislation commensurate with the needs of women in modern society,” and “limited and difficult access to urban facilities, services, and public spaces.” Intervening conditions

1. Corresponding author. Email: amirali.boroumand@ut.ac.ir



©2024 The author(s). This is an open access article under the CC BY license: <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

How to cite this article: Moosavi, M. & Boroumand, A. (2026). A Study of the “Women-Friendly City” in the Context of Citizens’ Lived Experiences To achieve Sustainable Development. Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences, 23(1), 1-60. <https://doi.org/10.22067/social.2025.92107.1610>

comprised “financial opacity in the system for calculating and paying women’s wages,” “the dominance of outdated and erroneous social values concerning women’s active participation in society,” “the absence of women representatives across professional, decision-making, planning, and legislative hierarchies,” and “the incompatibility of HSE, aesthetic, welfare, and environmental standards with women’s needs.” Contextual conditions included “the persistence of patriarchal, traditional, and restrictive governance patterns in urban management,” “the absence of affirmative measures supporting women’s presence and agency in the urban sphere,” and “the perception of women as second-class citizens and inadequate valuation of women’s work and activities in society.” Finally, the findings were presented in a paradigmatic model centered on the core category of “marginalization of women and exclusion of their participation from urban spheres.”

Keywords: Sustainable City, Inclusive City, Family-Friendly City, Balanced Urban Development, Urban Sociology.

مطالعه «شهر دوست‌دار زن» در بستر تجربیات زیسته شهروندان در راستای دستیابی به توسعه پایدار

مهتاب موسوی  (دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی محیط‌زیست، گروه برنامه‌ریزی و مدیریت محیط زیست و HSE.

دانشکده محیط‌زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

mahtab.s.moosavi@ut.ac.ir

امیرعلی برومند  (دکترای تخصصی برنامه‌ریزی محیط زیست، گروه برنامه‌ریزی، مدیریت محیط زیست و HSE، دانشکده

تحصیلات تکمیلی محیط زیست، دانشگاه تهران، تهران، ایران، نویسنده مسئول)

amirali.boroumand@ut.ac.ir

چکیده

توسعه روزافزون شهرها از یک سو و مشکلات زندگی شهرنشینی از سویی دیگر، الزامات پایداری توسعه را بیش از پیش نمایان ساخته است. پژوهش حاضر با هدف بررسی و احصاء شبکه مسائل زنان در عرصه شهر؛ به‌عنوان پیش‌نیازی جهت تحقق شهر دوست‌دار زن انجام شد. رویکرد مطالعه حاضر کیفی، روش آن نظریه داده‌بنیاد و ابزار مطالعه، مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. به‌منظور دستیابی به اشباع نظری و حداکثر تنوع در راستای تبیین موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، از طریق نمونه‌گیری هدفمند با ۲۵ نفر به‌صورت حضوری و مجازی مصاحبه شد. خروجی کدهای محوری در قالب شرایط علی شامل «شکل‌گیری شهرها بر پایه نظام فکری، نیازها و توانایی‌های مردان»، «ناامنی فضاهای شهری برای زنان»، «محدود کردن زنان به محیط و مسئولیت‌های خانه»، «عدم توازن در تخصیص ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی»، «فقدان قوانین بروز و حمایت‌کننده متناسب با نیاز زن جامعه مدرن» و «دسترسی محدود و سخت به امکانات، خدمات و فضاهای همگانی شهر» بود. شرایط مداخله‌گر شامل «عدم شفافیت مالی در سیستم محاسبه و پرداخت حقوق زنان»، «حاکم بودن ارزش‌های اجتماعی منسوخ شده و غلط در ارتباط با مشارکت فعال زنان در جامعه»، «فقدان نمایندگان زن در سلسله‌مراتب کارشناسی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری» و «متناسب نبودن استانداردهای HSE، زیبایی‌شناختی، رفاهی و محیط‌زیستی با نیازهای زنان» بود. همچنین

نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و سوم، شماره ۱، بهار ۱۴۰۵، شماره پیاپی ۵۵، صص ۶۰-۱

تاریخ تصویب: ۱۴۰۴/۰۱/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

شرایط زمینه‌ای شامل «تداوم الگوی حکم‌رانی مردسالار، سنتی و محدودکننده در مدیریت شهری»، «فقدان تبعیض‌های مثبت حامی حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه شهری» و «برشمردن زن به‌عنوان شهروند درجه‌دو و عدم ارزش‌گذاری صحیح از کار و فعالیت زنان در جامعه» شناسایی شد. درنهایت، یافته‌های پژوهش در قالب مدل پارادایمی، با مقوله هسته «به حاشیه راندن و مشارکت‌زدایی زنان از عرصه‌های شهری» ارائه شد.

واژگان کلیدی: شهر پایدار، شهر فراگیر، شهر دوست‌دار خانواده، توسعه متوازن شهری، جامعه‌شناسی شهری.

۱. مقدمه

در طول تاریخ بشریت، مردم در سراسر جهان غالباً در جوامع کوچک زندگی می‌کردند. در طول چند قرن گذشته و به‌ویژه در دهه‌های اخیر، مهاجرت گسترده جمعیت، از روستاها به شهرها به‌طور چشم‌گیری سرعت گرفته است. سازمان ملل^۱ تخمین می‌زند که این واقعه شاخص در سال ۲۰۰۷ رقم خورد و اکنون بیش از ۴ میلیارد نفر در مناطق شهری ساکن هستند. در بیش‌تر کشورهای پردرآمد (در سراسر اروپای غربی، قاره آمریکا، استرالیا، ژاپن و خاورمیانه) بیش از ۸۰ درصد از جمعیت در مناطق شهری زندگی می‌کنند و پیش‌بینی می‌شود با افزایش درآمدها و دور شدن از اشتغال در کشاورزی، جریان شهرنشینی^۲ افزایش یابد (ریتچی^۳ و همکاران، ۲۰۲۴).

شهرنشینی سریع یکی از مهم‌ترین عوامل انسانی است که بر اکوسیستم‌ها و پایداری^۴ تأثیر می‌گذارد. شهرنشینی یک شمشیر دولبه است که اگرچه می‌تواند بستر ساز شکوفایی اقتصادی و توسعه اجتماعی شود، اما درعین حال می‌تواند زمینه را جهت تخریب محیط طبیعی و آسیب به نظام اجتماعی، فراهم آورد. جامعه علمی تأکید ویژه‌ای بر نیاز به بررسی رابطه بین شهرها و محیط زیست برای

1. United Nations

2. Urbanization

3. Ritchie

4. Sustainability

درک تعاملات پویا، مرتبط با مشکلاتی مانند تغییرات اقلیمی، مصرف منابع طبیعی و کاهش کیفیت زندگی دارد. رشد جمعیت و شهرنشینی ملاحظات اصلی دستور کار توسعه پایدار^۱ سازمان ملل متحد، به ویژه در یازدهمین هدف است که منادی لزوم ایجاد شهرهای فراگیر^۲، ایمن، تاب آور و پایدار است (وویککالی^۳ و همکاران، ۲۰۲۴).

طبق پیش بینی سازمان ملل متحد تا سال ۲۰۵۰، دوسوم کل بشریت (۶.۵ میلیارد نفر) شهرنشین خواهند شد. پایدارسازی شهرها به معنای ایجاد و دستیابی به سکونت گاه های انسانی^۴ تاب آور است؛ چراکه توسعه پایدار بدون تغییر قابل توجه در نحوه مدیریت فضاهای شهری با رویکرد زیست بوم محور به روش های مشارکتی و فراگیر امکان پذیر نیست. بدیهی است که برای به دست آوردن مشارکت فعال و سازنده، می بایست نمایندگانی از ذی النفعان^۵ و گروداران^۶ در فرآیند ارزیابی، برنامه ریزی و تصمیم گیری حضور داشته باشند (برنامه توسعه ملل متحد^۷، ۲۰۲۴).

درحالی که بیش از نیمی از جمعیت شهرهای جهان را زنان تشکیل می دهند، ساختارهای شهری عمدتاً مردمحور است و اغلب تجربه زنان را نادیده می گیرند. زنان در طول تاریخ با تبعیض و نابرابری در زمینه هایی مانند پویایی، خدمات شهری، فرصت های اقتصادی و سیاست مواجه بوده اند. در محیط های شهری، زنان با موانع سیستمی مواجه می شوند که دسترسی آنها به منابع اقتصادی را محدود می کند و توسط هنجارهای اجتماعی و خشونت مبتنی بر جنسیت تشدید می شود که در مجموع به زنانه سازی فقر^۸ منجر می شود. به عنوان مثال نابرابری فرصت ها در هند نشان می دهد که عواملی مانند تحصیلات والدین و نابرابری های منطقه ای به طور قابل توجهی بر نتایج اقتصادی زنان

1. Sustainable Development Goals (SDG)

2. Inclusive cities

3. Voukkali

4. Human Settlement

5. Beneficiaries

6. Stakeholders

7. UNDP

8. Feminization of poverty

تأثیر می‌گذارد، به‌طوری‌که ۱۸ تا ۲۵ درصد از نابرابری درآمد در مناطق شهری را شامل می‌شود (سانیل^۱، ۲۰۲۴).

امروزه تعهدات جهانی نقش مهمی در پیش‌برد حقوق زنان و فراگیری در فضاهای شهری دارد. به‌همین منظور پنجمین هدف توسعه پایدار سازمان ملل متحد اعلام می‌کند که پایان دادن به هرگونه تبعیض علیه زنان و دختران، به‌عنوان یک حق اولیه انسانی، برای آینده پایدار ضروری است. همچنین ثابت شده است که توانمندسازی زنان و دختران به تاب‌آوری^۲ و زیست‌پذیری^۳ سکونت‌گاه‌های انسانی کمک می‌کند (برنامه عمران ملل متحد^۴، ۲۰۲۴؛ هرماپور و هاوو^۵، ۲۰۲۴؛ عظیمی، ۱۳۹۵).

هدف یازدهم توسعه پایدار درباره تضمین دسترسی به فضاهای همگانی امن، فراگیر و سبز برای همه، به‌ویژه زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت است. این هدف بر مشارکت فعال زنان در برنامه‌ریزی شهری و تصمیم‌گیری دولت محلی و همچنین، بر نیاز به رویکرد عادلانه برای دستیابی به توسعه شهری پایدار تأکید می‌کند. شهر فراگیر، شهری است که بدون تعصب نسبت به وضعیت اقتصادی، جنسیت، نژاد، قومیت یا مذهب، دسترسی برابر به فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را برای طیف گسترده‌ای از ساکنان شهری فراهم می‌کند. همان‌طور که در برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد^۶ آمده، افراد با هر پیشینه باید بتوانند به فرصت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مناطق شهری دسترسی داشته باشند (الیاس^۷، ۲۰۲۰؛ هرماپور و هاوو، ۲۰۲۴).

درواقع شهر دوست‌دار زنان^۸ مفهومی درباره یک محیط شهری است که برابری جنسیتی و فراگیری را در برنامه‌ریزی و طراحی خود در اولویت قرار می‌دهد و تضمین می‌کند که زنان می‌توانند

1. sanyal

2. Resilience

3. Livability

4. UNDP

5. Hermaputi and Hua

6. United Nations Human Settlements Programme

7. Elias

8. Women-friendly city

به‌طور کامل در زندگی شهری بدون موانعی نظیر امنیت، ایمنی، دسترسی یا طرد اجتماعی برآمده از نابرابری و بی‌عدالتی شرکت کنند. این رویکرد شامل ادغام دیدگاه‌های جنسیتی در برنامه‌ریزی شهری برای رسیدگی و تصحیح طراحی سنتی مردانه شهرها است، که اغلب نیازهای زنان را برآورده نمی‌کند و در نتیجه نابرابری‌های فضایی و اجتماعی را تداوم می‌بخشد (کیپر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶؛ سین‌قا و سیاولی^۲، ۲۰۲۲).

این مفهوم بر ایجاد فضاهای عمومی ایمن، در دسترس و پاسخگو به نیازهای خاص زنان مانند نورپردازی مناسب فضاهای عمومی، دسترسی آسان به حمل‌ونقل عمومی استاندارد و امکانات تفریحی و بهداشتی تأکید دارد که برای افزایش کیفیت زندگی و مشارکت زنان در جامعه بسیار مهم است (کیپر و همکاران، ۲۰۱۶). طرح‌هایی مانند پروژه «شهر او»^۳ اثربخشی مشارکت زنان و دختران را در فرآیند برنامه‌ریزی نشان می‌دهد که منجر به فضاهای شهری فراگیرتر و اقتصادی‌تر می‌شود که با اهداف توسعه‌آپایدار همسو می‌شوند. با اتخاذ رویکرد مشارکتی، شهرها می‌توانند زنان را توانمند کنند، نابرابری فضایی را کاهش دهند و انسجام اجتماعی را تقویت کنند و در نهایت به ایجاد محیط‌های شهری پایدار و تاب‌آور کمک کنند (ملین و لوونین^۴، ۲۰۲۴).

نوشتار پیش‌رو سعی دارد با بررسی ابعاد نظری و عملیاتی شهرهای فراگیر و دوست‌دار زن، به ادراک و تجربه شهروندان از شهر دوست‌دار زن با طرح پرسش‌هایی در زمینه مؤلفه‌ها و ویژگی‌های شهر دوست‌دار زن با تأکید بر سه ضلع توسعه‌آپایدار (اقتصاد، اجتماع و محیط‌زیست) بپردازد و در ادامه پرسش‌ها به عوامل بازدارنده و تشویق‌کننده حضور و مشارکت فعال زنان در شهر توجه می‌کند. جایگاه و جمعیت قابل توجه زنان، اثرگذاری غیرقابل انکار آن‌ها در تربیت و پرورش نسل آینده و توانایی و ظرفیت‌های آنان اگرچه مورد کم‌توجهی قرار گرفته اما از اهمیت و ارزش بالایی برخوردار

1. Kiper

2. Singha & Scaioli

3. Her city

4. Melin & Levonen

است و کم و کیف این موضوع با سؤالاتی در مورد توانایی های خاص و جنسیت بنیان زنان در جهت ارتقا و دستیابی به شهر دوست دار زن مورد بررسی قرار می گیرد. بنابراین پژوهش حاضر قصد دارد با غور در تجربه زیسته شهروندان از شهر و تصویر ذهنی آنان از شهر دوست دار زن، دلایل به حاشیه راندن و مشارکت زدایی زنان در عرصه های شهری را کشف کند و التزام حضور و مشارکت زنان در سلسله مراتب شهری را در راستای دستیابی به توسعه پایدار، بیش از پیش یادآور و متذکر شود.

۲. پیشینه پژوهش

برنامه ریزی شهری نقش مهمی در شکل دادن به محیط انسان ساخت و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان دارد. با این حال، در اکثر شهرهای دنیا، برنامه ریزی شهری اغلب نیازهای زنان را نادیده می گیرد. این موضوع یک نگرانی قابل توجه است؛ زیرا دسترسی زنان به خدمات و فرصت های ضروری را محدود می کند و منجر به طرد اجتماعی و اقتصادی می شود. برنامه ریزی شهری حساس به جنسیت و فراگیر، برای حصول اطمینان از اینکه زیرساخت های شهری و فضاهای همگانی، برای همه شهروندان، ایمن و قابل دسترس هستند، ضروری است. پنج بعد شهر فراگیر عبارت است از: فضایی، اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و سیاسی که چارچوبی جامع برای درک و اجرای مفهوم شهر فراگیر فراهم می کند (یاداو و کاماری^۱، ۲۰۲۴).

فرآیند توسعه مدرن در اکثر کشورها، تحت سلطه مردانی بوده است که با دیدی مردسالار و استثمارگر نسبت به طبیعت و زن می نگریستند. عوارض غلبه چنین نگرشی بر مدیریت جوامع و برنامه ریزی سکونت گاه های انسانی، استثمار کنترل نشده، تشدید بلایای طبیعی و محرومیت روزافزون زنان بوده است. امروزه این درک وجود دارد که باید بین توسعه، نیازهای اجتماعی همه آحاد جامعه و حفاظت محیط زیست تعادل برقرار شود. به عبارت دیگر توسعه باید پایدار و همه شمول باشد. بنابراین در گذار به پایداری، زنان و مردان نه تنها در حمایت از مدیریت مناسب محیط زیستی، بلکه

در درخواست برای کیفیت بهتر زندگی و برابری اجتماعی بیش‌تر به‌عنوان نیروی محرک ظاهر می‌شوند (پارساد^۱، ۲۰۲۳).

زیرساخت نقش اصلی را در فرآیند توسعه ایفا می‌کند؛ زیرا از اقدامات هماهنگ برای تحقق بسیاری از اهداف دیگر، ازجمله اهداف مربوط به آموزش، بهداشت، عدالت و تأمین اجتماعی، مشاغل و محیط‌زیست پشتیبانی می‌کند. غالباً فرض بر این است که زنان ناگزیر از پروژه‌های زیربنایی جدید مانند مردان بهره‌مند می‌شوند، درحالی که تأثیرات متمایز احتمالی بر آن‌ها، براساس نیازها و نقش‌های اجتماعیشان به رسمیت شناخته نمی‌شود. درحالی که شهرنشینی، پراکندگی شهری و زاغه‌ها^۲ تأثیر بیش‌تری بر زندگی زنان نسبت به مردان دارد. بنابراین بهبود زیرساخت‌های شهری، با لحاظ کردن تفاوت‌های جنسیتی، منجر به بهبود چشم‌گیر رفاه و امنیت دختران و زنان خواهد شد و در عین حال توسعه پایدار را تضمین می‌کند (پارساد، ۲۰۲۳).

در جهت تأیید پیوندهای زنان، محیط‌زیست و توسعه، مطالعاتی در اوایل دهه ۱۹۸۰ صورت گرفت که توسط دانکلمن و دیویدسون (۱۹۸۸) در قالب کتابی با عنوان «زنان و محیط‌زیست در جهان سوم: اتحاد برای آینده»^۳ منتشر شد. این مطالعات، زنان را در برابر تأثیرات تخریب محیط‌زیست، آسیب‌پذیر یافت و درعین‌حال نقش آن‌ها را به‌عنوان بازیگران کلیدی در حفاظت از محیط‌زیست به رسمیت شناخت. بنابراین، نمایش زنان به‌عنوان قربانیان و بازیگران کلیدی در برابر محیط، که هنوز در سطح گفتمان و همچنین اقدامات سیاستی ادامه دارد، به دیدگاه «زنان، محیط‌زیست و توسعه»^۴ برمی‌گردد (لیچ و همکاران، ۲۰۱۶).

علی‌رغم صحنه گذاشتن بر تمام نابرابری‌ها و تبعیض‌های جنسیت‌بنیان، قربانی در نظر گرفتن زنان باعث می‌شود کنش‌گری و عاملیت آنان انکار شود و آسیب‌پذیری‌شان یک مشکل درونی تلقی شود.

1. Prasad

2. Slum

3. Women and the Environment in the Third World :Alliance for the future

4. WED

درحالی که باید در تصمیم‌گیری استراتژی‌های مدیریتی و قانون‌گذاری، مطالبات زنان گنجانده و به آن‌ها فرصت مشارکت داده شود. زنان در جایگاه مادر برای تلقین ارزش‌های حفاظت از محیط‌زیست و ترویج رفتارهای دوست‌دار طبیعت در بین کودکان و انتقال روش‌های اصولی زیست پایدار به نسل آینده از موقعیت خوبی برخوردارند. زنان به‌عنوان مربیان نسل آینده از طریق تمام این مراحل، می‌توانند نقش مهمی در کاهش ردپای کربن، کاهش اثرات منفی تغییرات اقلیمی و به‌طور کلی حراست و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست ایفا کنند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲).

به رسمیت شناختن زنان به‌عنوان مخزن دانش بومی و پرورش‌دهندگان نسل‌های آینده، نقش زنان در حفاظت از محیط‌زیست را برجسته می‌کند. همچنین حضور فعال زنان در جامعه از طریق مشارکت در فرآیندهای طراحی، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری سبب موفقیت‌های بزرگی در تسهیل درآمدزایی، صرفه‌جویی در دارایی‌ها، تأثیر مثبت بر امنیت غذایی و ایجاد سرمایه اجتماعی می‌شود و درنهایت می‌تواند منجر به توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و دستیابی به توسعه پایدار شود (برومند و طباطبائی، ۱۳۹۸).

در شهرهای فراگیر و دوست‌دار زن در راستای حصول توسعه پایدار، عمدتاً حضور ۵۰ درصدی زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری، مورد تأکید قرار گرفته تا رویکردها و نیازهای زنان در ابعاد مختلف جامعه فرصت ظهور و بروز پیدا کند. درواقع زنان باید به‌عنوان شهروندانی متفاوت اما برابر با مردان، در عرصه مشارکت اجتماعی شهروندی فعال و تمام‌عیار باشند تا بتوانند در پی تحقق حقوق شهروندی خود برآیند. در مطالعه فاضلی و ضیاچی (۱۳۹۳) مشخص شد، در پروژه‌های شهر دوست‌دار زن، اکثر زنان معتقد بودند که اگر مسئولیت پروژه‌های مختلف شهری را زنان بر دوش داشته باشند، به دلیل داشتن نگاه زنانه به جامعه و توجه به تفاوت‌ها، در تغییر و بهبود وضعیت زنان موفق‌تر خواهند بود.

بررسی سه شهر مونترال، دهلی و سئول در مطالعه آبادا^۱ (۲۰۱۳) نشان داد که نیازهای زنان از شهر در سه بعد اساسی فراگیری، راحتی و امنیت خلاصه می‌شود. بعد فراگیری با کمک به زنان برای داشتن دسترسی کامل و امکان مشارکت در زندگی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی شهر میسر می‌شود. بعد راحتی با تطبیق زیرساخت‌ها و خدمات شهری متناسب با نیازهای زنان به شیوه‌ای که ماهیت، نقش اجتماعی و برنامه آن‌ها را در برگیرد، ممکن می‌شود. بعد امنیت با ایجاد یک محیط شهری امن برای زنان به منظور بازپس‌گیری حق خود در شهر قابل دسترسی است. مطالعه این سه شهر ثابت کرد که موفقیت پروژه، مستلزم مشارکت زنان و مردان، همه دست‌اندرکاران شهری، احزاب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و مهم‌تر از آن، تمایل و تعهد مدیران شهری به موفقیت پروژه است.

شهر دوست‌دار شیردهی^۲ نیز می‌تواند یکی از زیرمجموعه‌های شهر دوست‌دار زن و در ذیل بعد فراگیری و راحتی باشد. مفهوم ایجاد محیطی که از تغذیه با شیر مادر پشتیبانی می‌کند، ابتدا به‌طور سیستماتیک از طریق «۱۰ گام برای شیردهی موفق» برای خدمات زایمان و نوزادان در بیمارستان سازمان‌دهی شد. چندین شهر در سراسر جهان از جمله لیمریک^۳ (ایرلند)، کوروم^۴ (ترکیه)، زاگرب^۵ (کرواسی) و تورنتو^۶ (کانادا) برای شیردهی مناسب اعلام شدند. تاکنون اگرچه هیچ شاخص آماده‌ای برای استفاده از یک شهر دوست‌دار شیردهی ارائه نشده است اما هر شهر می‌تواند دارای معیارهای خاص خود برای توجیه وضعیت دوست‌دار شیردهی باشد (تان^۷ و همکاران، ۲۰۲۴).

1. Abada
2. Breastfeeding-Friendly City
3. Limerick (Ireland)
4. Corum (Türkiye)
5. Zagreb (Croatia)
6. Toronto (Canada)
7. Tan

دلایل زیادی از جمله مفهوم مواجهه بر پایه مکان و رفتار سالم و بهداشتی وجود دارد که شهرها باید دوست‌دار شیردهی باشند. یونیسف^۱ و سازمان بهداشت جهانی^۲ تأکید می‌کنند که تغذیه با شیر مادر برای دستیابی به بسیاری از اهداف توسعه پایدار حیاتی است. برای اینکه شیر مادر، تغذیه را بهبود می‌بخشد (همسو با هدف دوم از مجموعه اهداف توسعه پایدار ملل متحد)، از مرگ‌ومیر کودکان جلوگیری می‌کند و خطر بیماری‌های غیرواگیر را کاهش می‌دهد (همسو با هدف سوم از مجموعه اهداف توسعه پایدار ملل متحد) و از توسعه شناختی و آموزش حمایت می‌کند (همسو با هدف چهارم از مجموعه اهداف توسعه پایدار ملل متحد). همچنین تغذیه با شیر مادر عاملی برای پایان دادن به فقر، ترویج رشد اقتصادی و کاهش نابرابری است (سازمان ملل متحد، ۲۰۱۷).

تغذیه با شیر مادر تنها به اهداف مربوط به تغذیه (به عنوان مثال، گرسنگی صفر، سلامت و رفاه خوب) توجه نمی‌کند، بلکه به اهداف مرتبط با محیط‌زیست نیز می‌پردازد، زیرا شیردهی باعث کاهش ضایعات و مصرف منابع می‌شود. با اهمیت فزاینده سلامت سیاره، تغذیه با شیر مادر به عنوان یکی از عوامل اصلی شناخته می‌شود که نقش مهمی در کاهش انتشار کربن و حمایت از تعادل محیط‌زیستی ایفا می‌کند. اثرات اقتصادی درازمدت تغذیه با شیر مادر همچنین به اهداف توسعه پایدار، مرتبط با فقر و رشد اقتصادی نیز توجه دارد و از این رو شامل تمام اهداف ۱۷ گانه توسعه پایدار می‌شود (تان و همکاران، ۲۰۲۴).

همچنین در ذیل بعد امنیت می‌توان به این موضوع اشاره کرد که در سال‌های اخیر میزان خشونت افزایش یافته در شهر، پیامد قدرت ساختار مردسالارانه شناخته شده و منجر به این تصور رایج شده است که فضاهای شهری مکان‌هایی خطرناک و ناامن هستند. به طور مثال کم‌ناس پرمپوان^۴ در سال ۲۰۱۹ در اندونزی، گزارش ۲۴ درصد (۳۶۰۲ مورد) آزار و اذیت زنان در فضاهای همگانی را داده

1. UNICEF

2. WHO

3. UN

4. komnas Perempuan (National Commission on Violence against Women)

است. این چالش بر زندگی روزمره زنان تأثیر ویژه‌ای می‌گذارد، از آزادی شخصی آن‌ها جلوگیری می‌کند و ورود آن‌ها را به مناطق عمومی و خصوصی به‌منظور کار، بهداشت، آموزش و فعالیت‌های تفریحی محدود می‌کند. همچنین زدن برچسب «تحریک‌آمیز»^۱ به زنان در کنار استفاده محدود آن‌ها در طول روز از شهر، باعث می‌شود به‌طور فزاینده‌ای آن‌ها از ترس تجاوز در خیابان‌ها و فضاهای همگانی، از حضور در شهر اجتناب کنند. باین‌حال، امنیت زنان یک مسئله زنانه و جداگانه از مسائل شهر نیست. به عبارت دیگر، مشکل به این بستگی دارد که «چه‌کسی» و «چرا» می‌خواهد شرایط این گونه باشد (گانی^۲ و همکاران، ۲۰۲۰؛ پردهانا و ویرناسو^۳، ۲۰۲۳).

هنگام بررسی تأسیس یک شهر جدید، روابط زنان با آن شهر در پرتو عدالت و حقوق شهری به بخش مهمی از تحقیقات برنامه‌ریزان شهری تبدیل می‌شود. در جامعه امروزی، زنان با انجام فعالیت‌های خانگی و مراقبت از بستگان بیمار و مسن، نسل‌های متعددی از خانواده خود را به دنیا می‌آورند، تغذیه می‌کنند و آموزش می‌دهند. زنان فارغ از ویژگی‌ها یا نقش‌هایی که دریافت می‌کنند، باید بتوانند بدون تجربه «محرومیت شهری» در شهر وجود داشته باشند (گانی و همکاران، ۲۰۲۰). حقوق شهری عبارتند از حقوق آزادی، مسکن، استقلال و مشارکت. به عبارت دیگر حقوق شهری، حق دسترسی به کلیه خدمات و امکانات در شهر و حقوق بازطراحی، بازسازی و اداره شهر از طریق مشارکت در کلیه فرآیندهای تصمیم‌گیری است. اما مطالعات در مورد برابری بر این واقعیت تأکید می‌کند که نمی‌توان به زندگی شهری و تجربه جدا از هنجارهای جنسیتی مردسالار فکر کرد. مطالعات نشان می‌دهند که بدنه‌های اداری، مردانه هستند و فضای شهری نه تنها منعکس‌کننده نابرابری جنسیتی است، بلکه عامل بازتولید چنین نابرابری‌هایی است (افه گانی^۴ و همکاران، ۲۰۲۲).

1. Provocative

2. Guney

3. Perdhana & Winarso

4. Efe Güney

بنابراین، افزایش حضور زنان در گروه‌های ذی‌صلاح در طول مراحل فرآیند برنامه‌ریزی توسعه یک شهر، از الزامات ایجاد شهرهای دوست‌دار زنان است. در این زمینه، مقامات منتخب، مقامات دولتی، گروه‌های مبتنی بر جامعه (به‌عنوان مثال، سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد)^۱ و محققان باید با یکدیگر همکاری کنند. بدون شک الزامات اجتماعی و فضایی زنان و مردان در جامعه متفاوت است و این امر باید در برنامه‌ریزی شهری مورد توجه قرار گیرد. ارزیابی تأثیر جنسیت^۲ نیز مرحله مهمی برای گذار از برنامه‌ریزی کورجنسیتی است. مراحل دیگر شامل تعریف روابط جنسیتی جاری و شناسایی اثرات احتمالی مثبت و منفی برنامه‌ریزی بر روابط جنسیتی اجتماعی است (گانی و همکاران، ۲۰۲۰).

درواقع فضاها و برنامه‌ریزان، با تعیین حدود و پارامتر برای رفتارهای خاص، یک نقشه راه اجتماعی را ترویج می‌کنند؛ به این معنا که برخی از حرکات را تشویق می‌کنند و درعین حال دیگر رفتارها را یا بر حذر می‌دارند یا سرکوب می‌کنند. فضا، یک فرآیند و محصول اجتماعی است که توسط شرایط و روابط اجتماعی شکل می‌گیرد. شکل‌گیری فیزیکی فضا، براساس بسط هنجارهای از پیش موجود (یعنی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) و سلسله‌مراتب اجتماعی اتفاق می‌افتد. تبعیض سنتی اجتماعی و فضای خصوصی نه تنها طراحی هر دو را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه «احساس تعلق»^۳ را برای افراد مختلف براساس ویژگی‌هایی مانند جنسیت، طبقه، مذهب و سن تعریف می‌کند (افه گانی و همکاران، ۲۰۲۲).

تحقیقات صورت گرفته در شهر دوست‌دار زن در ازمیر^۴ - کنک^۵ (ترکیه) نشان می‌دهد، زنان به فضاها و همگانی احساس تعلق نمی‌کنند، بلکه از چنین فضاها و به‌عنوان مناطق انتقالی اجباری

1. NGO (Non-Governmental Organization)

2. Gender Impact Assessment

3. Sense of belonging

4. Izmir

5. Konak

استفاده می‌کنند و نمی‌توانند در این فضاها بدون در نظر گرفتن محدودیت‌ها ظاهر شوند. مفهوم حمایت‌گرایی^۱، که برای ایمن نگه‌داشتن زنان ارائه می‌شود، از هنجارهای رفتاری (راه رفتن، صحبت کردن، لباس پوشیدن، حرکت و غیره) حمایت می‌کند و بر نحوه درک و دسترسی زنان به فضا تأثیر می‌گذارد. همچنین مسائل امنیتی و دسترسی، زندگی روزمره و تحرک را برای زنان و سایر گروه‌های محروم پیچیده‌تر می‌کند. در نهایت زنان در ترکیه به‌علت اینکه شهرها براساس تأثیرات ساختار پدرسالارانه شکل گرفته‌اند و همچنان از آن تغذیه می‌شوند، تحت چنین شرایطی نمی‌توانند سه مرحله ارتباط با فضا یعنی، احساس تعلق، تعهد و مسئولیت‌پذیری را تجربه کنند (گانی و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین یک شهر نه‌تنها باید برای مردان، بلکه برای زنان نیز برنامه‌ریزی شود. این تبیین، بیش از یک توصیه، یک تکلیف است. همان‌طور که بسیاری از مطالعات نشان داده‌اند، شادی زنان معیاری برای سطح ثروت و شادکامی کلی جامعه است. در شهرها و مناطق شهری که خشونت مربوط به آپارتاید جنسیتی^۲ در حال وقوع است، مشاهده رفتارهای متعصبانه که بر جمعیت بسیار گسترده‌تری تأثیر می‌گذارد، یک تجربه معمول و عادی است. شهری که بتواند امنیت اقلیت‌های خود را حفظ کند، می‌تواند از همه شهروندان خود محافظت کند (گانی و همکاران، ۲۰۲۰).

بین آزادی، برابری و اجتماعی شدنی که ساکنان یک محیط اجتماعی از آن برخوردارند و باز بودن و در دسترس بودن برابر زیرساخت‌های اجتماعی در این محیط، شباهت نزدیکی وجود دارد. با در نظر گرفتن این نکات، می‌توان این ایده را به‌دست آورد که مناطق زیرساخت‌های اجتماعی باید به‌عنوان معیارهای شهر دوست‌دار زن برنامه‌ریزی شوند. شهرهای دوست‌دار زن، از مشارکت دولت‌های محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری به‌عنوان ابزاری برای حل مشکلات حمایت می‌کنند. علاوه‌براین، آن‌ها دسترسی زنان به خدمات بهداشتی، آموزشی و اجتماعی و همچنین فرصت‌های شغلی را برای زنان فراهم می‌کنند. درواقع آن‌ها از مشارکت برابر زنان در تمام جنبه‌های

1. Protectionism

2. Gender Apartheid

زندگی شهری حمایت می‌کنند. وقتی موضوع مشارکت در سیاست در سطح مدیریت‌های کلان، میانی و محلی بررسی می‌شود، مشاهده می‌شود به دلیل نابرابری جنسیتی، تعداد زنان در مواردی مانند تعداد شهرداران، تعداد معاونان و تعداد وزیران استانداران و فرمانداران بسیار کم‌تر از مردان است. این ساختار، زنان را در خانه نگه می‌دارد و فضای زندگی آن را به خانه، محیط اطراف آن و حیطه توانمندی و فعالیت‌هایش را به کارهای خانه محدود می‌کند (گانی و همکاران، ۲۰۲۲).

در پایان می‌توان گفت، شهر دوست‌دار زن، رویکردی در برابر هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست است که نتیجه آن نابرابری، محرومیت و استثمار زنان و عقب‌ماندگی جامعه است. در همین راستا «برنامه شهرهای دوست‌دار زنان»^۱ توسط سازمان ملل متحد جهت دستیابی به تحقق اهداف توسعه پایدار وضع شده است. این رویکرد در سطح جهانی بر پایه راهبردهای اساسی افزایش تعداد زنان در مکانیسم‌های تصمیم‌گیری ملی و جهانی (در بلژیک، فنلاند، فرانسه، سوئد، ایتالیا و یونان)، تأسیس واحدهای برابری در ادارات محلی (در آلمان، اتریش، فرانسه، لوکزامبورگ و سوئد)، تشکیل و جمع‌آوری داده‌های آماری بر پایه جنسیت (در فنلاند و نروژ)، حساس کردن برنامه‌های بودجه به جنسیت اجتماعی (در سوئد، هلند و ایتالیا)، توسعه برنامه‌های برابری (در اتریش، بلژیک، برزیل، جزایر ویر جین بریتانیا، بولیوی و بیست کشور دیگر)، توسعه ارتباط مستمر با جامعه مدنی (در انگلیس، اسپانیا و بلژیک)، ارائه فرصت‌های تملک ملک (در اتریش، انگلستان) و تأمین امنیت و مبارزه با انواع خشونت (در آلمان، اتریش، انگلیس) ارائه شده است (افه گانی^۲ و همکاران، ۲۰۲۲).

مرور ادبیات پژوهش نشان می‌دهد نتایج اکثر مطالعات، پشتیبان پابرجایی نظام مردسالار و حذف زنان از سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی است که به‌خوبی لزوم مطالعه ادراک و تجربه شهروندان از شهر دوست‌دار زن و حرکت به‌سوی تبیین و تشریح الگوهای مدیریت و برنامه‌ریزی

1. Women-Friendly Cities Program

2. Efe Güney

شهری همه‌شمول با تأکید بر فهم و لحاظ کردن نیازها و اقتضائات زنان که هدف پژوهش حاضر است را نشان می‌دهد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

در فاز صفر پژوهش حاضر، ادبیات نظری، به روش مطالعات کتابخانه‌ای با کلیدواژه‌های شهر دوست‌دار زن، محیط‌زیست، توسعه پایدار، برابری جنسیتی و زنان در پایگاه‌های معتبر گوگل اسکالر^۱، ام. دی. پی. آی^۲ و الزویر^۳ مرور شد. پس از قبض و بسط ادبیات و پیشینه نظری، بررسی جامع «شهر دوست‌دار زن» به کمک پارادایم تفسیرگرایی اجتماعی^۴، رویکرد کیفی^۵، روش نظریه داده‌بنیاد^۶ و ابزار مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته^۷ صورت گرفت.

پس از تدوین پروتکل پژوهش، ابتدا با دو گروه زن و مرد، مجرد و متأهل (بدون فرزند و دارای فرزند)، در سنین و جایگاه‌های اجتماعی متفاوت مصاحبه شد تا تنوع در تجربه‌ها به غنی‌سازی مفاهیم و جامعیت این مطالعه بیفزاید. حضور مردان در جامعه آماری به به دو دلیل صورت گرفت. دلیل اول این‌که شرایط حال حاضر ماحصل نظام فکری مردان و در نظر گرفتن شرایط و نیازها و مشارکت و حضور آن‌ها در مراحل تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی شهری است، بنابراین باید بررسی می‌شد که آیا در دیدگاه مردان نیازی مبنی بر تغییر این دیدگاه سنتی به وجود آمده یا نه و دلیل دوم مبنی بر لزوم یکپارچه در نظر گرفتن جامعه به‌عنوان بستری برای حضور دو جنس زن و مرد و تعاملات دوطرفه آن‌ها است؛ چراکه تفکیک جنسیتی به پایداری و فراگیری جامعه منجر نمی‌شود و

1. Google scholar
2. MDPI
3. Elsevier
4. Social Interpretivism
5. Qualitative
6. Grounded theory
7. Semi-Structured In-depth Interviews

بررسی یک معضل اجتماعی، نظرات و دیدگاه‌های هر دو جنسیت زن و مرد، جهت جامعیت بخشیدن به داده‌ها را می‌طلبد. بنابراین بررسی شرایط مختلف و اقتضائات متنوع زیست هر یک از این دو گروه زنان و مردان در عرصه شهری توانست تصویری عمیق از شبکه دلایل به حاشیه راندن و مشارکت‌زدایی زنان در عرصه شهری را ارائه کند. لذا مسئله اصلی این مطالعه، جمع و تلفیق گستره وسیعی از تجارب و فهم‌های متکثر از شبکه مسائل زنان در عرصه شهر است که الزام فراگیری در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار را در جهت تحقق شهر دوست‌دار زن بیش از پیش یادآور می‌شود؛ چراکه کشف و ساماندهی چنین درک و فهم جامعی از شبکه مسائل زنان در شهر برای متولیان مدیریت و برنامه‌ریزی شهری در راستای بازآفرینی و به‌سازی فضای عمومی شهر بسیار راهگشا و مفید خواهد بود.

۳.۱. مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته

این مطالعه رویکردی تفسیری داشت و تأکید آن بر شناخت و کاوش عمیق در تجربیات و فهم مصاحبه‌شوندگان بود تا از ذهنیت آنان نقشه‌برداری نماید و جهان‌بینی و هستی‌شناسی آن‌ها را در مورد یک مفهوم خاص، که در این مطالعه شهر دوست‌دار زن است، منعکس کند. لذا ابزار ذهن‌کاو «مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته» بهترین امکان را برای تحلیل عمیق اندیشه‌ها، تجربیات و عقاید زنان و مردان از کلان‌شهرهای تهران، مشهد و اصفهان در مورد «شهر دوست‌دار زن» فراهم می‌آورد تا همه تصورها و تجربه‌های موجود در جامعه هدف کشف، طبقه‌بندی، بازخوانی، توصیف، بازآرایی و نظام‌مندسازی شود.

در این مطالعه تیم پژوهشی تلاش کرد نسبت به باورها، عقاید و تجارب افراد مورد مصاحبه خشی و بی‌طرف باشد و صرفاً آگاهی و بازتاب تجربی زیست جهان آن‌ها را کاوش کند. لذا از هر گونه قضاوت یا جهت‌دهی به مصاحبه‌ها پرهیز شد و موضع مصاحبه‌گران مسکوت ماند. هم‌چنین هرچند داده‌های این پژوهش از ذهنیات مصاحبه‌شوندگان و جمع تجربیات آن‌ها احصاء شد، اما

در فرآیند معنادهی به مفاهیم، به بافت و بستر اجتماعی و نظام‌های نگرشی-باوری مصاحبه‌شوندگان به‌طور خاص توجه شد.

در فرآیند گردآوری داده‌های این پژوهش به کمک مصاحبه‌های کیفی، سؤالات اولیه و کلی مصاحبه مشخص بود اما مصاحبه‌گران رویکردی انعطاف‌پذیر داشتند تا به فراخور مباحث و پاسخ‌های ارائه شده سؤالات فرعی و کمکی را مطرح کنند.

در هنگام مصاحبه‌ها از چهار نوع سؤال اکتشافی زیر بهره گرفته شد:

- سؤال‌های اکتشافی برای جزئیات بیش‌تر، یعنی پرسش‌های مربوط به چه کسی، کجا، چه چیزی و چگونه.
- سؤال‌های اکتشافی تفسیری که غالباً نشانه‌های غیرکلامی بودند که برای ترغیب پاسخ‌دهنده به ادامه صحبت به کار گرفته شدند.
- سؤال‌های اکتشافی توضیحی، شامل بیان مجدد پاسخ‌ها و تفکر دوباره در مورد آنچه که پاسخ‌دهنده گفته بود.

- سؤال‌های اکتشافی مقابله‌ای، که چیزی برای «مخالفت» در اختیار پاسخ‌دهنده قرار می‌داد.
- اکثر مصاحبه‌های کیفی به‌صورت چهره‌به‌چهره و رودررو انجام شد، اما از آن‌جا که امکان مصاحبه حضوری با ۱۲ مصاحبه‌شونده منتخب فراهم نشد، از گفت‌وگوی تلفنی برای ۷ نفر و گفت‌وگوی اینترنتی در بستر گوگل میت با ۵ نفر بهره گرفته شد. هر مصاحبه بین ۴۰ تا ۶۰ دقیقه طول کشید. به مصاحبه‌شوندگان اطمینان داده شد که هر زمان و یا در هر سؤال که قصد ادامه دادن نداشتند، از اطلاعات آنان استفاده نخواهد شد. در ادامه با ۵ نفر از افراد مصاحبه شد، متن کامل مصاحبه‌ها ضبط و پیاده‌سازی شد و سپس با توجه به روند طی شده، سایر مصاحبه‌ها طرح‌ریزی و انجام شد. محور سؤال‌ها شامل ابعاد مختلف شهر دوست‌دار زن، توسعه پایدار و چالش‌ها و فرصت‌های زنان بود. پس از ۲۰ مصاحبه، اطلاعات و نظرات دریافتی از سمت مصاحبه‌شونده‌ها به اشباع نظری رسید، اما

جهت حصول اطمینان، ۵ مصاحبه دیگر نیز صورت گرفت. مشخصات ۲۵ فرد مورد مصاحبه در این پژوهش، در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مشخصات افراد مورد مصاحبه در مطالعه حاضر

ردیف	کد مصاحبه‌شونده*	سن	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان	شغل	نحوه مصاحبه
۱	۱.م	۴۳	متاهل	۱	کارشناس یک شرکت خصوصی	حضورى
۲	۲.م	۲۴	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۳	۳.م	۲۵	متاهل	—	مترجم و مدرس زبان اسپانیایی	حضورى
۴	۴.م	۳۰	مجرد	—	کارشناس یک شرکت خصوصی	حضورى
۵	۵.م	۲۴	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۶	۶.م	۴۱	مجرد	—	راهنمای طبیعت‌گردی	حضورى
۷	۷.م	۲۶	مجرد	—	کارشناس یک نهاد بین‌المللی	حضورى
۸	۸.م	۲۷	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۹	۹.م	۲۴	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۱۰	۱۰.م	۲۴	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۱۱	۱۱.م	۶۹	متاهل	۳	هیئت علمی بازنشسته دانشگاه	مجازى
۱۲	۱۲.م	۴۹	متاهل	۱	هیئت علمی دانشگاه	مجازى
۱۳	۱۳.م	۲۵	مجرد	—	دانشجو	حضورى
۱۴	۱۴.م	۲۹	مجرد	—	کارشناس یک شرکت خصوصی	مجازى
۱۵	۱۵.م	۲۷	مجرد	—	مدرس زبان انگلیسی	مجازى
۱۶	۱۶.م	۴۹	متاهل	۲	کارگزار یک شرکت بیمه	مجازى

ردیف	کد مصاحبه شونده*	سن	وضعیت تاهل	تعداد فرزندان	شغل	نحوه مصاحبه
۱۷	۱۷.م	۵۹	متاهل	۲	آزاد	مجازی
۱۸	۱۸.م	۵۰	مجرد	—	کارشناس و مسئول فنی کارخانه لبنی	مجازی
۱۹	۱۹.م	۵۱	متاهل	۲	فرهنگی بازنشسته	مجازی
۲۰	۲۰.م	۵۹	متاهل	۳	هیئت علمی دانشگاه	مجازی
۲۱	۲۱.م	۲۴	مجرد	—	دانشجو	مجازی
۲۲	۲۲.م	۵۸	متاهل	۲	هیئت علمی بازنشسته	حضور
۲۳	۲۳.م	۲۳	متاهل	—	آزاد	مجازی
۲۴	۲۴.م	۳۴	متاهل	۱	مدیر اجرایی یک نهاد فرهنگی	مجازی
۲۵	۲۵.م	۲۵	مجرد	—	دانشجو	حضور

* جهت امانت‌داری اظهارات مصاحبه‌شوندگان و حفظ حریم خصوصی آن‌ها، صرفاً کد آن‌ها ذکر شده و از ارائه نام آن‌ها خودداری شده است.

۳.۲. گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

پس از اتمام مصاحبه‌ها، متن تمامی گفت‌وگوها کاملاً پیاده‌سازی و سپس از آن، گویه‌های معنادار احصاء و در گام بعد فرآیند کدگذاری آغاز شد. کدهای این مطالعه به صورت باز^۱، محوری^۲ و انتخابی^۳ بودند که در ادامه شرحی از آن‌ها ارائه خواهد شد.

- **کدگذاری باز:** کدگذاری باز بخشی از تحلیل گویه‌ها بود که مشخصاً به نام‌گذاری و دسته‌بندی ابتدایی موضوع مورد نظر از طریق بررسی دقیق داده‌ها مربوطه بود. به عبارت بهتر در این مرحله از کدگذاری مفاهیم درون مصاحبه‌ها، براساس ارتباط با شبکه مضامین

-
1. Open Coding
 2. Axial Coding
 3. Selective Coding

همتایانشان بررسی و طبقه‌بندی شد. لذا نتیجه این مرحله، تقطیر و خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از مصاحبه‌ها بود.

- **کدگذاری محوری:** هدف از کدگذاری محوری در این مطالعه، ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده در مرحله کدگذاری باز بود. این عمل به پژوهشگران کمک کرد تا فرایند مطالعه را به سهولت و ارتباط‌دهی میان شبکه مفاهیم را به کمک بسط و گسترش مقوله‌ها انجام دهند.
- **کدگذاری انتخابی:** کدگذاری انتخابی در این مطالعه شامل فرآیند انتخاب دسته‌بندی اصلی، مرتبط کردن نظام‌مند آن با دیگر دسته‌بندی‌ها، تأیید اعتبار این روابط و تکمیل دسته‌بندی‌هایی که نیاز به اصلاح و توسعه بیشتر داشت، بود. به این ترتیب مقولات محوری در این گام به شکل نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده شدند و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی که به بهبود و توسعه بیشتر نیاز داشتند، اصلاح کردند.

۳.۳. حساسیت نظری و اعتبارسنجی یافته‌ها

در پژوهش حاضر، مقوله‌بندی اولیه داده از منظر نظری در ارتباط با کل یافته‌ها بررسی و در نهایت در ارتباط با الگوها و موارد انتزاعی، مقوله‌بندی مجدد شد. این امر تاجایی پیش رفت که محققان به مرحله اشباع رسیدند؛ به این نحو که بعد از توسعه تبیین‌ها در سطوح مفهومی، از طریق داده‌های انباشتی به مرحله انتقال عرضه نتایج دست یافت. در اینجا پژوهشگران بعد از صرف مدت زمان طولانی در بررسی ابعاد مفهومی مقوله‌ها، سطوح تجرید را انتخاب کردند و به تبیین مسئله مطالعه‌شده در قالب ساخت نظریه‌ای جدید دست یافتند. بر همین اساس، با خاتمه مصاحبه بیستم، تکرار در صورت‌بندی‌های طرح شده از سوی مصاحبه‌شوندگان، به پرسش‌های محققان احساس می‌شد، اما برای اطمینان کامل پژوهش تا مصاحبه بیست و پنجم ادامه یافت.

در پژوهش‌های کیفی، عمدتاً بحث اعتبار مطرح است که در بعد هستی‌شناختی و فلسفی ناشی از ماهیت رویکرد کیفی است. یکی از روش‌های افزایش اعتبار، «باورپذیرکردن گزینشی» است که در این مطالعه مورد استفاده قرار گرفت. منظور از اصطلاح مذکور، مستدل کردن متن با نقل قول‌هایی پذیرفتنی است که در پژوهش حاضر، موارد متعددی از آن‌ها به منظور باورپذیرکردن یافته‌های پژوهش بیان شد. درواقع یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تحلیل متون نظریه زمینه‌ای، ارائه نقل قول‌های مستقیمی از مصاحبه‌شوندگان است که خواننده را به‌سوی درک سریع‌تر آن چیزی هدایت می‌کند که محقق طی ماه‌ها یا سال‌ها تلاش و تفکر به دست آورده است. درنهایت این مقولات از سوی استادان جامعه‌شناسی و اعضای مشارکت‌کننده، ارزیابی و تأیید شدند.

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. شرایط علی

۴.۱.۱. شکل‌گیری شهرها براساس نظام فکری، نیازها و توانایی‌های مردان

از شکل‌گیری اولین شهرها تاکنون، حضور و مشارکت پررنگ مردان در طراحی و برنامه‌ریزی شهر، تجلی و چیرگی نظام فکری مردانه بر کالبد شهری را رقم زده است. یکی از عوامل تعیین‌کننده و اثرگذار بر میزان ظهور و بروز شهروندان در شهر، نحوه طراحی و ساختار محیط کالبدی است. درواقع اعمال تفاوت‌ها و نیازهای جنسیت بنیان زنان در شهر، مانند آنچه که در شهرها برای مردان اتفاق افتاده، آنان را در شرایطی قرار می‌دهد که فارغ از جنسیت و به‌عنوان یک انسان، می‌توانند به فعالیت‌ها و زندگی روزمره خود در شهر بپردازند و در بستری با امنیت، عدالت و برابری، به شکوفایی و بالندگی خود، خانواده و شهرشان کمک کنند و دست یابند.

شهرهای کنونی دربرگیرنده حقوق، نیازها و توجه ویژه‌تر به تفاوت‌های جنسیت بنیان زنان نیستند. درواقع زنان با مسائلی فراتر از آنچه که باید، مواجه هستند و بهای بیش‌تری، به‌دلیل جنسیت، نقش‌ها و تفاوت‌هایشان، در مواجهه با شرایط مختلفی که در زندگی شهری وجود دارد، می‌پردازند. درواقع

آنان باید سعی کنند از امکانات، فضاها و خدماتی که براساس توانایی، نیاز و مطلوبیت مردان که ماحصل نظام فکریشان است، استفاده کنند و در جو مردانه‌ای که در پی آن ساختار به وجود می‌آید، به حضور و فعالیت خود ادامه دهند.

(م. ۱) در این باره بیان کرد: «تجربه من بعد از مادر شدنم این بود که شهر منو محدودتر کرده بود، تفریحات من و پاتوق‌های من فقط محدود شده بود به جاهایی که بتونم با بچه‌ام حضور داشته باشم. من بچه‌ام رو می‌بردم پارک اما این آزادی رو نداشتم که اونجوری که دلم می‌خواد بشینم یا دراز بکشم و کتابم رو بخونم و هم‌زمان بچه‌ام بازی کنه. هیچ کدوم از این رفاقت‌ها رو شهر من با من نکرد چون شهر مردونه‌ای بود...»

۴. ۱. ۲. ناامنی فضاهای شهری برای زنان

از مهم‌ترین و در اولویت‌ترین مؤلفه‌هایی که در تحقق شهر دوست‌دار زن و زندگی روزمره زنان می‌توان به آن اشاره کرد، امنیت است. تازمانی که امنیت روانی و جسمی برای زنان محقق نشود نمی‌توان ظهور و بروز آنان را در جامعه دید. شهری که بیش از نیمی از شهروندان آن احساس امنیت و آسایش لازم برای حضور در جامعه را نداشته باشند، سالم نیست و به مراتب دچار آسیب‌های بزرگ‌تر و عمیق‌تری خواهد شد. به راستی امنیت زمینه‌ساز احساس آرامش، آسایش و شادی شهروندان است و می‌توان گفت، رابطه دو طرفه‌ای میان میزان حضور زنان و امنیت یک منطقه وجود دارد. (م. ۷) در این باره معتقد بود که: «به نظر من امنیت و سلامت یک محیط رو از میزان خانم‌هایی که در اون جا هستن، می‌شه سنجید. وقتی تعداد خانم‌ها قابل توجه باشه، یعنی اون محیط از امنیت و سلامت بیش‌تری برخورداره.»

نکته قابل توجه در مورد امنیت این است که می‌بایست در طیف وسیعی از زمان و مکان و در ابعاد روانی و مالی نیز تجلی یابد. در واقع شهری امن محسوب می‌شود که در اغلب ساعات شبانه‌روز و در اغلب اماکن و نواحی آن احساس امنیت روانی و مالی وجود داشته باشد و محدود به ساعات شلوغ و اواسط روز و نواحی پررفت‌وآمد شهری نشود. احساس امنیت، آسایش و تعلق خاطری که

در پی آن به وجود می‌آید در میزان کیفیت زندگی زنان، میزان ظهور و بروز آنان در جامعه، میزان دغدغه‌مندی و تلاش آنان در راستای حل مسائل جامعه و در ابعاد وسیع‌تر، در سلامت جامعه بسیار تأثیرگذار است.

(م. ۱) در ارتباط با تأثیر امنیت در شکل گرفتن سایر احساسات نظیر آرامش، سرزندگی و شادی گفت: «شهر دوست‌دار زن از نظر من شهریه که بتونه به زن احساس آرامش بده، اجازه زنده بودن و زندگی کردن بده. همه زن‌ها در شهرها زنده‌ان اما اینکه از اون زندگی لذت ببرن و احساس آرامش داشته باشن، بحث جداییه.»

همچنین (م. ۱۰) درباره لزوم گستردگی امنیت گفت: «امنیت باید در ساعات اولیه و حتی پایانی روز هم برقرار باشه؛ چراکه خیلی از خانم‌ها در صنفی مشغول به کار هستن که در این ساعات هم در شهر رفت‌وآمد دارن. من فکر می‌کنم بزرگ‌ترین چالشی که خانم‌ها برای خرید، تفریح و سایر فعالیت‌های روزانه بیرون از خونه باهاش روبه‌رو هستن همین احساس امنیته، چه از نظر مالی، چه روانی و چه جانی.»

(م. ۸) در ارتباط با لزوم برقراری امنیت روانی گفت: «متأسفانه یک‌سری موارد مثل خشونت‌های کلامی که بسیار آزاردهنده هستن، قابل پیگیری نیستن...، اما این موضوع می‌تونه تا مدت‌ها فکر و روان یک زن رو درگیر کنه و آزار بده، بدون اینکه کسی بابت این آسیب مورد بازخواست یا مجازات قرار بگیره.»

۴. ۱. ۳. محدود کردن زنان به محیط و مسئولیت‌های خانه

فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی زنان نیازمند توجه و ارزش‌گذاری بیش‌تر است؛ چراکه سالیان متمادی، مردان به‌عنوان فرد تأمین‌کننده و فعال اقتصادی و اجتماعی خانواده و جامعه شناخته شده‌اند و این موضوع باعث شده است که در شرایط کاری یکسان حقوق، مزایا و ارزش کار آن‌ها نسبت به زن‌ها تفاوت و افزایش قابل توجهی داشته باشد. درواقع فعالیت اجتماعی و مشارکت اقتصادی زنان، موضوع جدی و حائز اهمیتی در نظر گرفته نشده، درحالی‌که امروزه زن‌ها سهم قابل توجهی در

هزینه‌ها و امور اقتصادی خانواده و جامعه را بر عهده دارند. حتی آنان برای حفظ کردن شیرازه خانواده خود و به دست آوردن استقلال مالی و اجتماعی، سخت در تلاش هستند تا بتوانند هم‌زمان تمامی ابعاد زندگی خود را پوشش دهند و بر مشکلات و تبعیض‌هایی که به‌خاطر جنسیتشان با آن روبه‌رو هستند، فائق آیند.

(م. ۱۶) در تأکید نقش‌آفرینی و تلاش زنان بیان کرد: «خانم‌های شاغل باید چند برابر آقایون انرژی بذارن تا بتونن هم بیرون از خونه کار کنن و هم وقتی می‌رسن خونه به امور خونه، همسر و فرزندهاشون رسیدگی کنن. درواقع کار بیرون از خونه اون‌ها مثل یک لطف براشون در نظر گرفته می‌شه اما این قدر مهم نیست که باعث بشه از وظایفشون در خونه کم بشه.»

همچنین موضوع مهم دیگری وجود دارد که زنان را پس از ازدواج و پس از مادر شدن بیش از پیش، محدود و کنترل می‌کند. باورهای رایجی که احساس آسایش و آزادی زنان را کنترل و آنان را مشروط به سرویس‌دهنده خوبی بودن می‌کند. فداکاری‌های آن‌ها را در زمره وظایف مسجل برمی‌شمارد و بهایی برای آن در نظر ندارد. پس از مادر شدن، استقلال هویتی را از آن‌ها سلب می‌کند و شایستگی‌های زنان را منوط به مادرانگی‌هایشان می‌کند. عقاید و فرهنگ‌های این چنینی اختیارات زنان را از کنترل خودشان خارج می‌کند و خشونت علیه آنان را بسط می‌دهد. درحالی‌که زنان باید درباره بدنشان و سازوکارهای آن مانند باردار شدن، سقط‌جنین، شیردهی و غیره، قدرت تصمیم‌گیری و اختیار داشته باشند و تحت قضاوت و فشار قرار نگیرند.

(م. ۱۹) در ارتباط با تنگناهای زنان در مواجهه با نقش‌های متفاوتی که می‌توانند داشته باشند گفت: «خانم‌ها درنهایت باید نگران این موضوع باشن که خللی در امور خونه و یا فرزندانشون به‌خاطر کارشون پیش نیاد وگرنه اولین راه‌حلی که مطرح می‌شه، گذشتن از شغلشون هست. حتی برای به‌دست آوردن و حفظ شغلشون در بیرون از خونه هم، نیاز به تلاش بیش‌تر و به اثبات رسوندن خودشون نسبت به مردها دارن.»

۴.۱.۴. عدم توازن در تخصیص ظرفیت‌ها و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی

یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار شهر دوست‌دار زن باید در نظر گرفتن شرایط و الزامات بعد اقتصادی زندگی زنان در آن شهر باشد. بعد اقتصادی، تأثیر مستقیمی بر استقلال، امنیت روانی و آزادی عمل در انتخاب سبک زندگی زنان و فعالیت‌های اجتماعی آن‌ها دارد. این مهم از طریق ایجاد برابری در تخصیص ظرفیت‌های شغلی، برشمردن فعالیت اقتصادی زنان به‌عنوان یک ارزش اجتماعی، افزایش انعطاف و تنوع، جهت مشارکت بیش‌تر اقتصادی زنان، فراهم آوردن حمایت‌ها و زیرساخت‌های لازم برای ورود و ماندن طیف گسترده‌ای از زنان در بازارهای کار و جامعه می‌تواند تحقق یابد.

(م. ۱) درباره عدم تعادل میان زنان تحصیل‌کرده و فرصت‌های اقتصادی و اجتماعی اشاره کرد: «بیش‌تر از نیمی از دانشجویها، یعنی حدود هفتاد درصد اون‌ها رو خانم‌ها تشکیل می‌دن اما در بازار کار با جمعیت کم‌تر از پنجاه درصد اون‌ها روبه‌رو هستیم و این نشون می‌ده ما بخش قابل توجهی از نیروی کار متخصصمون رو بدون بهره‌گیری از اون‌ها داریم از دست می‌دیم».

۴.۱.۵. فقدان قوانین بروز و حمایت‌کننده متناسب با نیاز زن جامعه مدرن

باتوجه به تغییرات و نیازهای جامعه مدرن که در آن زن و مرد در تلاش برای به‌دست آوردن جایگاه‌های اجتماعی و ایفای نقش در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی هستند، تمهیداتی نظیر وجود قوانینی حمایت‌کننده و بروز با شرایط جامعه امروز، می‌تواند بسیار کمک‌کننده و ضروری باشد. حضور زنان در جامعه و فعالیت‌هایشان همچنان با چالش‌های بسیاری روبه‌رو است. این چالش‌ها با نقش‌هایی که زنان در طول زندگی خود برعهده می‌گیرند و قوانینی که جایگاه و توانایی زنان را تقلیل می‌دهد، پیچیده‌تر می‌شود.

فراهم آوردن شرایط از طریق وضع قوانین، مانند درنظر گرفتن دورکاری و حتی تلفیق دورکاری و کار حضوری در یک روز، احداث مهدکودک در محل‌های کار، مرخصی‌های زایمان و تضمین به‌کارگیری مجدد زنان پس از آن، حمایت‌هایی قانونی مانند بیمه کردن زنانی که تحصیلات آکادمیک

ندارند و از طریق کسب و کارهای خرد خانگی، مشارکت اقتصادی دارند، شفافیت مالی جهت دستیابی به عدالت در پرداخت حقوق و فضایی برای مطالبه و تلاش برای شایسته سالاری در سیستم‌های اداری و اقتصادی میتواند در رفع تبعیض و مانع‌زدایی از توسعه حرفه‌ای زنان مؤثر واقع شود.

درواقع فقدان چنین قوانینی می‌تواند جامعه را به سمتی برود که از ظرفیت بیش از نیمی از جمعیت خود در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط‌زیستی بی‌بهره بماند. همچنین چنین شرایطی می‌تواند زمینه‌ساز ورود بسیاری از افراد به شبکه‌های فساد و فحشا، خرید و فروش مواد مخدر، شغل‌های کاذب و در پی آن، از بین رفتن بنیان خانواده و کاهش سلامت جامعه شود.

(م. ۹) در جهت تأکید بر لزوم قوانین حمایت‌کننده برای زنان گفت: «این روزا خیلی از خانم‌ها فارغ از علاقه‌شون مجبورن که کار کنن ... اما با قوانین چندین سال پیش روبه‌رو هستن. زنی که تو جامعه امروز بعد از زایمانش شغلش رو از دست می‌ده، با مشکلات زیادتری مواجه می‌شه نسبت به ده سال پیش، اما هنوز قانونی نداریم که متناسب با شرایط جامعه امروز بخواد زندگی زنان رو تسهیل کنه و ازشون حمایت کنه.»

همچنین (م. ۱۷) درباره قوانینی که موجب تقلیل و آسیب به جایگاه و روحیه زنان هستند، گفت: «یک‌سری از قوانین هستن که باعث محدودیت، تضعیف روحیه و کرامت زنان می‌شن ... مثل محدود شدن اختیارات زن بعد از ازدواج، دو برابر بودن دیه جنین پسر از دیه مادری که اون رو حمل می‌کنه، اعتبار کم‌تر شهادت زن نسبت به شهادت مرد و امثال این قوانین که زیاد هستن.»

۴. ۱. ۶. دسترسی محدود و سخت به امکانات، خدمات و فضاهای همگانی

خدمات رفاهی، آموزشی، تفریحی، درمانی و بهداشتی گسترده و برنامه‌ریزی شده برای زنان از جمله اقدامات ضروری برای تضمین کیفیت و سلامت زندگی شهری و گام مهمی در راستای دستیابی به شهر دوست‌دار زن محسوب می‌شود. این اقدامات به احساس شادی و سرزندگی زنان، علی‌الخصوص مادران که بخش قابل توجهی از زمان خود را صرف ارتباط با فرزندشان می‌کنند و

نیازمند توجه و حمایت بیش‌تری هستند، کمک می‌کند. در نظر گرفتن تفاوت‌های جنسیت‌بنیان مانند روحیه حساس‌تر، آزادی عمل کم‌تر، فیزیک بدنی آسیب‌پذیرتر و غیره باعث می‌شود، نقش خدمات، امکانات و فضاهای همگانی در زندگی زنان بیش از پیش پررنگ شود.

(م. ۱۸) در اهمیت تنوع و گستردگی امکانات و خدمات عمومی گفت: «امکانات تفریحی با گستردگی زیاد مثل استخر و فضاهای ورزشی که گسترده‌تر و قابل‌دسترس‌تر باشد برای سلامت جسمی و روحی خانم‌ها خیلی نیازه اما اکثر این اماکن ورزشی و تفریحی با استانداردهای مطلوب، یا گرون‌قیمت هستن یا در ساعت‌هایی هستن که خانم‌ها محدودیت دسترسی دارن.»

همچنین (م. ۵) درباره ضرورت در نظر گرفتن نیازهای زنان در طراحی فضاهای همگانی گفت: «من به‌عنوان یک خانم که از صبح تا زمانی که برمی‌گردم خونه بین مراکز مختلفی که کار دارم، باید رفت‌وآمد کنم و غالباً پیاده هستم، هیچ‌جایی رو در فضای عمومی شهر ندارم که بتونم یه مقدار استراحت کنم. استراحت برای خانم‌ها سخت‌تره، اون‌ها نمی‌تونن هرجایی بشینن یا دراز بکشن و یه نیمکت فلزی کنار خیابون گزینه مناسبی نیست و این مورد باعث خستگی و فرسودگی زیاد هر روزه منه.»

درواقع کیفیت فضاهای، خدمات و امکانات همگانی می‌توانند نقش قابل توجهی در ابعاد مختلف زندگی شهروندان و به‌طور خاص‌تر، زنان، به‌دلیل محدودیت‌ها و چالش‌هایی که به‌خاطر فضای مردانه شهر دارند، ایفا کنند. عدم گستردگی حمل‌ونقل عمومی، ساعات فعالیت محدود و هزینه آن‌ها باعث می‌شود زنان نتوانند در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی مشارکت داشته باشند. همچنین نبود امکانات عمومی فرهنگی و تفریحی، میزان حضور آنان در جامعه، کیفیت زندگی‌شان و سلامت جامعه را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

(م. ۷) درباره لزوم گسترش دسترسی و امنیت حمل‌ونقل عمومی برای زنان افزود: «تعداد زیادی از خانم‌ها به‌علت دسترسی سختی که به حمل‌ونقل عمومی دارن از کار کردن منصرف می‌شن چون بخش قابل توجهی از درآمدشون رو باید صرف رفت‌وآمد کنن درحالی‌که اگر شبکه حمل‌ونقل

عمومی در سراسر شهر با ساعات فعالیت بیش تر و هزینه کم تر، فراهم بود و همچنین امنیت بیش تری برقرار بود، شرایط مشارکت اقتصادی خانم ها خیلی بهتر و راحت می شد.»

۲.۴. شرایط مداخله گر

۲.۴.۱. عدم شفافیت در سیستم های جذب، محاسبه و پرداخت حقوق زنان

عدم شفافیت در سیستم های جذب و محاسبه حقوق باعث نابرابری و تضییع حقوق افراد می شود. چنین شرایطی به تبعیض های جنسیت بنیان دامن زده و موجب کاهش شایسته سالاری، امنیت فضاها، کاری، رقابت سالم و در نهایت از بین رفتن عدالت اجتماعی می شود. در واقع زنان در ادامه این روند از مطالبه حقوق خود باز می مانند؛ چراکه هیچ شفافیتی مبنی بر چرایی پایین بودن میزان حقوق دریافتی و جذب آن ها در سیستم های رسمی و غیررسمی وجود ندارد.

(م. ۱۸) در ارتباط با لزوم شفافیت در سیستم جذب و محاسبه مالی گفت: «میزان شفافیت، حداقل در سیستم های رسمی باید جوری باشد که یک فرد بدونه، اگر نتوانست جذب اون سیستم بشه، به چه علت بوده و اون که تونسته چه برتری هایی داشته و همین طور میزان دریافتی ها چقدر و براساس چه شایستگی ای هست. نه اینکه صرفاً به خاطر جنسیت همه این اتفاق ها بیفته. مثلاً در محیط کاری من، حقوق نیروی کار خانم در یک شرایط کاری برابر، پایین تره.»

زنان باید بتوانند به تنهایی احساس تعلق خاطر، آزادی و مهم بودن به عنوان یک شهروند را در شهر داشته باشند. آن ها باید سطحی از استقلال و اهمیت را دریافت کنند که برای تأمین نیازهایشان در سطوح مختلف اجتماعی متکی به جنسیت دیگری نباشند. فقدان آگاهی و مطالبه زنان نسبت به حقوق خود باعث نابرابری های گسترده تر و محدودیت های بیش تری می شود.

(م. ۶) در لزوم افزایش آگاهی زنان نسبت به حقوق خود گفت: «خود خانم ها اطلاعی از حق و حقوق خودشان ندارند و این باعث می شه که هر روزه مورد سوءاستفاده های زیادی قرار بگیرن ... واقعیت اینه که، زمانی که یک نفر مطالبه ای نمی کنه، نمی شه توقع داشت که بقیه در جهت پرداخت حقوق اون فرد تلاش کنن.»

۴.۲.۲. حاکم بودن ارزش‌های اجتماعی منسوخ شده و غلط در ارتباط با مشارکت فعال زنان

عواملی مانند فرهنگ و پذیرش اجتماعی در یک جامعه، تسهیل‌کننده مسیر پیشرفت و بالندگی هستند. درواقع مردم یک جامعه با پذیرش و باور به اهمیت و تأثیرگذاری زنان در کیفیت زندگی و سلامت جامعه، می‌توانند به توانمندسازی و نقش‌آفرینی بیش از پیش زنان کمک کنند. باورهای قدیمی، خرافی و غلطی که از گذشته نشأت می‌گیرند، یکی از موانع پیشرفت و آزادی بیان و رفتار زنان در جامعه امروز هستند. در این موضوع خود زنان اثر بسیار گسترده‌ای خواهند داشت؛ چراکه، زنانی که خود قربانی فرهنگ و باورهای محدود و سرکوب‌کننده بودند، به‌راحتی از زنانی که خلاف این عقاید عمل می‌کنند، استقبال نمی‌کنند.

(م. ۷) در ارتباط با مقابله زنان با زنان گفت: «همون‌طور که خانم‌ها همدیگه رو بهتر درک می‌کنن و می‌تونن بهم کمک کنن، همون‌طور هم می‌تونن کارشکنی‌های پیچیده‌تری بکنن. مثل خانم‌هایی که در جهت تضعیف هم‌جنس‌های خودشون، به یکسری شایعات و باورهای غلط دامن می‌زنن و یا زنانی که برای پیشرفت خودشون از ویژگی‌های جنسیتی‌شون استفاده می‌کنن و باعث به وجود اومدن یک چرخه باطل از دیدگاه‌های اشتباه و عدم امنیت برای سایر هم‌جنس‌هاشون می‌شن.»

اگرچه باورهای سنتی و جنسیت‌زده‌ای که سالیان متمادی رواج داشته‌اند، اکنون در حال استحاله شدن هستند اما می‌توانند سرعت شکوفایی و بالندگی یک جامعه را کم کنند. این ارزش‌ها و باورها براساس شرایط زندگی مردم، سنت‌ها و داستان‌ها شکل گرفته، سینه‌به‌سینه منتقل شده و تبدیل به بخشی از فرهنگ یک جامعه که رفتار اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، شده است. محدود بودن زنان و وابستگی آن‌ها به مردان، نداشتن استقلال و خلاصه شدن در نقش‌های همسری و مادری، به‌مدت طولانی تصویری کم‌رنگ، در حاشیه و کم‌توان از آن‌ها را رواج داده است. بنابراین زنان باید در کنار سایر چالش‌ها، با آن تصویری که در دنیای امروزی جایی ندارد نیز مقابله کنند.

(م. ۱۳) خاطره‌ای را درباره باورهای جنسیت‌زده نقل کرد: «یک‌سری تابو در نسل قدیمی وجود داره که بد بودنش، فقط مختص جنسیت خانم‌هاست، مثلاً من با خانمی صحبت می‌کردم که یک

موضوع رو برای پسرش نه تنها بد نمی‌دونست که حتی حق پسرش می‌دونست. اما وقتی راجع به دخترش، درباره همون موضوع ازش پرسیدم، خیلی جدی دخترش رو تهدید کرد و اون رو عامل بی‌آبرویی خانواده می‌دونست.»

درباره ضد زن بودن باورهای اجتماعی (م. ۳، م. ۴ و م. ۵) اتفاق نظر داشتند که فعالیت‌هایی مانند رانندگی، موتورسواری و حتی دوچرخه‌سواری زن‌ها در سطح شهر، با موانع زیادی روبه‌رو است و بخش بزرگی از آن موانع، مربوط به عدم پذیرش اجتماعی آن‌ها به عنوان راننده است. در حدی که مردان صاحب خیابان‌های شهر شناخته می‌شوند و زنان باید در سایه ترس و اضطراب باشند و با بروز اولین و کوچک‌ترین مشکل، مستحق خسونت‌های کلامی و طرد شدن هستند.

همچنین (م. ۲۵) در ارتباط با دنیا و ارزش‌های تحمیلی محدودکننده پس از زایمان گفت: «زن‌ها بعد از مادر شدن، هویت خودشون رو از دست می‌دن و بعد از اون فقط یک مادر می‌تونن باشن. اون‌ها باید تمام اولویت‌هاشون براساس فرزندشون باشه و متأسفانه چنین زنانی، نماد یک مادر خوب و فداکار در جامعه ما هستند و در غیر این صورت مورد قضاوت و بازخواست قرار می‌گیرن. درحالی‌که یک مرد می‌تونه به خاطر ارتقاء جایگاه اجتماعیش، از زمانی که باید با خانواده و فرزندش بگذرونه و مسئولیت‌هاش در خونه بزنه و روی خودش تمرکز کنه.»

۴.۲.۳. فقدان نمایندگان زن در سلسله‌مراتب کارشناسی، تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری

جای خالی زنان در سطوح مختلف کارشناسی، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، موجب وارد شدن آسیب جدی به عدالت دسترسی و فراگیر بودن شهر می‌شود. بنابراین جایگاه‌های اجتماعی باید ظرفیت پذیرش زنان به عنوان یک شهروند و نماینده نیمی از افراد جامعه را داشته باشند. برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و مدیریت حوزه‌هایی که مربوط به مسائل و زندگی زنان است، باید نمایندگانی از طیف‌های مختلف زنان را جهت تضمین شمولیت، عدالت، سندیت و موفقیت در تصمیم‌های گرفته شده، در خود جای دهد؛ چراکه در فرآیند قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی تا زمانی که جامعه ذی‌النفعان

مشارکت فعالی نداشته باشند، پیاده‌سازی آن قوانین، سیاست و برنامه‌ها با موفقیت قابل توجهی روبه‌رو نخواهد بود.

درواقع نماینده جامعه زنان باید در تمام سلسله‌مراتب برنامه‌ریزی، قانون‌گذاری و مدیریتی شهر دوست‌دار زن برای یادآوری و تذکر لزوم فراگیر و پایدار بودن توسعه، ظهور و بروز داشته باشد. طبیعتاً نمایندگان زن برای بیان و ابراز توانایی‌ها، چالش‌ها و مشکلات زنان از صلاحیت، درک و مشروعیت بالاتری برخوردارند؛ چراکه تجارب زیسته نمایندگان زن، می‌تواند نیازسنجی‌ها، برنامه‌ها و سیاست‌ها را به واقعیت بسیار نزدیک‌تر کند، از اتلاف زمان، انرژی و هزینه جلوگیری کند و درنهایت میزان رضایت بیش از نیمی از شهروندان و افزایش کیفیت و سلامت زندگی شهری را به دنبال داشته باشد.

(م. ۱۶) در جهت ضرورت حضور نمایندگان زن در سلسله‌مراتب تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری در حوزه زنان گفت: «تو دور و زمونه الان که خانم‌ها تونستن تحصیل کنن و تخصص کسب بکنن، باید بتونن قوانین و سیاست‌های مربوط به جنسیت خودشون رو به‌خاطر اشراف به مسائل و تجربه زیسته‌ای که دارن، خودشون تعیین کنن یا حداقل حضور پررنگ داشته باشن.»

همچنین (م. ۶) در ارتباط با صلاحیت بیشتر زنان در مسئله نیازسنجی، پاسخ‌گویی و مدیریت شبکه مسائل آنان گفت: «ما نیاز به ظهور و بروز و نمایندگی بیش‌تر زنان داریم. مثلاً همایش زنان موفق رو چرا مردان برگزار می‌کنن؟ و یا اینکه پارک بانوان می‌سازن و تصورشون بر اینه که به نیاز خانم‌ها برای تفریح و امنیت به‌خوبی دارن پاسخ می‌دن، درحالی‌که یک فضای سبز محصور نمی‌تونه نیاز امنیت، تفریح، حضور در جامعه و دیده شدن رو برای یک زن به‌خوبی تأمین کنه.»

۴.۲.۴. متناسب نبودن استانداردهای HSE^۱، زیبایی‌شناختی، رفاهی و محیط‌زیستی با نیازهای زنان زنان به سبب دقت و حساسیت بالایی که دارند، از محیط پیرامون خود تأثیر بیش‌تری دریافت می‌کنند و اهمیت قابل توجهی برای آن قائل هستند. پژوهش فاضلی و ضیاچی (۱۳۹۳) نشان می‌دهد زنان فضا، کالبد، امکانات و مبلمان شهری را همواره از نظر زیبایی‌شناختی، معماری و ویژگی‌های بصری مورد ارزیابی و توجه قرار می‌دهند. از زیبایی‌های بصری و روح موجود در فضا گرفته تا احساس راحتی، ایمنی و ارتباطی که در مواجهه با ساختارهای فیزیکی شهری دریافت می‌کنند. بنابراین کیفیت فضاهای همگانی و امکانات رفاهی شهری بر زندگی زنان، میزان ظهور و بروز آنان در جامعه و سلامت جامعه مشهود و قابل توجیه است. استاندارد بودن ساخت‌وسازهای محیط کالبدی و توجه به عناصر زیباشناختی شهری بر سلامت جسمی و روانی شهروندان اثر زیادی می‌گذارد.

(م. ۲۰) درباره تأثیر زیبایی بصری شهری بیان کرد: «من به‌عنوان یک خانم وقتی در طول روز در شهر تردد می‌کنم، واقعاً روح و روانم از این همه بی‌ریختی شهر، حالا چه از نظر کثیفی و ژولیدگی ساختمان‌ها و خیابون‌ها و چه از نظر زیبا نبودن شهر به‌خاطر عدم سرسبزی و کم بودن فضای سبز، خسته می‌شود؛ علی‌الخصوص که امسال به بهانه جلوگیری از اتلاف آب، چمن‌ها رو خشک کردن و درخت‌های پر برگ و بار فضای سبز نزدیک خونه ما رو احیا نکردن و قطع کردن.»

همچنین (م. ۱۱) در ارتباط با اهمیت فضای سبز و امنیت اضافه کرد: «زن‌ها به گل و گیاه خیلی اهمیت می‌دن، بودن این‌ها در مسیرهای پیاده‌روی و افزایش سرانه فضای سبز، نشاط و سرزندگی آدم رو بیش‌تر می‌کنه. همچنین طراحی و روشنایی مناسب فضاهای همگانی مثل فضاهای سبز شهری می‌تونه به زیبایی شهر در شب و حتی روز کمک کنه.»

پیگیری امور روزانه‌ای مانند همراهی در رفت‌وآمد فرزندان به مدرسه و کلاس‌های آموزشی، انجام خریدهای خرد و روزانه خانه، بردن فرزندان به محیط‌های بازی و فضاهای سبز و امثال این فعالیت‌ها، عمدتاً در حیطه فعالیت‌های روزانه خانم‌ها قرار می‌گیرد. برای انجام این امور، زنان غالباً

از حمل و نقل عمومی استفاده می کنند و به همین دلیل، عواملی نظیر شبکه حمل و نقل عمومی، استانداردهای فیزیکی محیط کالبدی، امنیت و زیبایی بصری فضاهای همگانی می تواند زندگی زنان را بهبود ببخشد و یا دچار پیچیدگی های بیش تر کند.

استانداردها و نکاتی در رابطه با استفاده بیش تر و راحت تر زنان از فضاها و خدمات عمومی وجود دارد که براساس تفاوت های جنسیت بنیان موجود، شاید کم تر برای مردان مطرح باشد. در مرحله برنامه ریزی برای فضاها و خدمات عمومی باید شرایط، تفاوت ها، نیازها و چالش های زنان نیز در نظر گرفته شود. مسافتی که آن ها می توانند پیاده طی کنند تا به ایستگاه حمل و نقل عمومی برسند، اهمیتی که به تمیزی و سرزندگی محیط می دهند، احساس امنیتی که برای حضور و استفاده از خدمات عمومی نیاز دارند که رابطه دو طرفه ای میان سلامت و کیفیت زندگی زنان و شهر ایجاد می کند.

(م. ۱۱) در اهمیت طراحی امکانات و خدمات عمومی متناسب با فیزیک زنان اضافه کرد: «در وسایل حمل و نقل عمومی باید از ارگونومی متناسب با فیزیک خانم ها حتماً استفاده بشه، مثلاً دستگیره ها خیلی بالا نباشن، تمهیداتی بیش تر از چندتا علامت روی شیشه مترو و اتوبوس برای خانم های باردار یا مادرانی که بچه بغلشونه در نظر بگیرن.» و (م. ۲۲) گفت: «حتی در فضاهای شهری، اغلب پلکان و پل ها مناسب گام ها و کفش یک خانم نیستن.»

درواقع دو مؤلفه کیفیت و کمیت هم زمان و مستقیم بر میزان استفاده زنان از فضا و خدمات عمومی اثر می گذارد. به طور مثال میزان بهداشت سرویس های بهداشتی سطح شهر مطابق با نیازهای زنان با توجه به شیوع بیش تر بیماری های عفونی در آنان باید از استاندارد بالاتری برخوردار باشد. همچنین فضاهای سبز شهری، پارک ها و سایر اماکنی که فرصت تعامل و حضور و ارتباط اجتماعی آن ها را افزایش می دهد، باید به گونه ای طراحی و پیاده سازی شود که ایمنی و امنیت زنان را هم زمان پوشش دهد.

(م. ۲) دربارهٔ اثر استانداردهای کمی و کیفی فضاها و خدمات عمومی گفت: «من ترجیح می‌دم فضاهای سبزی رو امتحان کنم که طراحی‌شون جوریه که نقطهٔ کور نداره، روشنایی مناسب داره و من احساس امنیت می‌کنم.»

به واسطهٔ پیوند نزدیکی که میان زنان و محیط‌زیست وجود دارد، اثرپذیری و اثرگذاری بالاتری میان این دو وجود دارد. مؤلفه‌های محیط‌زیست شهری اعم از آب، هوا، خاک، فضای سبز، پسماند، حیوانات شهری، فرصت تجربه و ارتباط با محیط‌زیست و غیره اگر چه بر کیفیت زندگی شهروندان اثرگذار هستند، اما به شدت تحت تأثیر نحوهٔ زندگی آنان قرار دارند. باید در نظر داشت که افت کیفیت در برخی از مؤلفه‌های محیط‌زیستی نظیر هوا، بر زندگی و سلامت زنان اثر بیش‌تر و مخرب‌تری می‌گذارد.

(م. ۲) در ارتباط با میزان آسیب‌پذیری زنان در مواجهه با آلودگی‌ها گفت: «من در مقاله‌ای این موضوع رو خوندم که آلودگی هوا در زنان می‌تونه باعث آندومترئوز بشه که خیلی دردناک و اذیت‌کننده‌ست.» و همچنین (م. ۱۳) اضافه کرد: «فیزیولوژیک بدن خانم‌ها، به دلیل هورمون‌های زنانه‌ای که دارن نسبت به آقایون به دخانیات حساس‌تره و پنج برابر آسیب وارده به اون‌ها بیش‌تره و آلودگی هوای فضاهای همگانی که در اون‌ها استعمال دخانیات آزاده اثرات مخرب‌تری برای خانم‌ها به دنبال داره، همون‌طور که آلودگی آب باعث بیماری‌هایی مثل ام‌اس می‌شه و باز اپیدمیولوژی این بیماری در خانم‌ها بیش‌تره.»

باتوجه به اثراتی که مؤلفه‌های محیط‌زیست شهری می‌تواند به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر کیفیت و سلامت زندگی شهروندان و به‌نحو جدی‌تری بر زندگی زنان بگذارد، شهر دوست‌دار زن می‌بایست در جهت ارتقاء شاخص‌های کیفی این مؤلفه‌ها، حساسیت و اهتمام بیش‌تری داشته باشد؛ بدین صورت که از فعالیت‌ها و اقداماتی که وضعیت محیط‌زیست شهر را بهبود می‌بخشند، حمایت کند. اقداماتی نظیر استفادهٔ بیش‌تر و بهتر از حمل‌ونقل عمومی و وسایل نقلیهٔ پاک نظیر دوچرخه، اسکوترهای برقی، اتوبوس‌های برقی و غیره و در نظر گرفتن مسیرهای مشخص، با استاندارد و

دسترسی بالا و در نظر گرفتن این روش‌های حمل‌ونقل به‌عنوان یک مد حمل‌ونقل پایدار و نه به‌عنوان وسایل تفریحی و ورزشی که فقدان آن‌ها مشکلی به وجود نمی‌آورد.

(م. ۱۵) درباره محدودیت‌های دسترسی حمل‌ونقل پاک و عمومی گفت: «بیش‌تر از سه ساله که دسترسی به دوچرخه‌های عمومی سطح شهر من (مشهد)، برای خانم‌ها ممنوع شده و توجهی نشده که فرهنگ استفاده از حمل‌ونقل پاک چقدر به وضعیت آلودگی هوا، ترافیک و سلامت روحی و جسمی خانم‌ها کمک می‌کند و دوچرخه بیش‌تر از یک وسیله برای تفریح می‌تونه باشه».

۳.۴. شرایط زمینه‌ای

۳.۴.۱. تداوم الگوی حکمرانی مردسالار، سنتی و محدودکننده در مدیریت شهری

بخش قابل توجهی از جمعیت مردان تحت‌تأثیر و باور عقاید قدیمی‌ای هستند که ظهور و بروز زنان در جامعه را نمی‌پذیرد؛ چراکه نظام مردسالار، سالیان زیادی است که شهرها و جوامع را براساس نیازها و با توانایی و نقش‌آفرینی مردان طراحی کرده است. طی این سال‌ها ارزش‌ها، باورها و فرهنگ‌ها نیز متأثر از این جریان بوده‌اند، بنابراین ظهور و بروز و نقش‌آفرینی پررنگ زنان به‌مثابه حرکتی ساختارشکنانه و ضد عقاید و باورهای رایج و قدیمی خواهد بود. به این دلیل کارشکنی نسل قدیمی، اعم از زن و مرد، واکنش رایجی است. از سوی دیگر، زنانی که قربانی این شرایط و باورهای قدیمی بوده‌اند و فرصت ظهور و بروز و شکوفایی نداشتند، عواملی از سنگ‌اندازی، در جهت به حاشیه راندن زنان خواهند بود.

(م. ۱۷) در ارتباط با لزوم تغییرات متناسب با نیازهای روز جامعه و رویکرد از پایین به بالا در این مسیر افزود: «جامعه مردسالار ما نسبت به ۱۰ سال گذشته تفاوت‌های زیادی پیدا کرده و کم‌کم به توانایی و پتانسیل زن‌ها نیاز و باور پیدا کرده اما به نظرم اول باید از خونه شروع کرد، مثلاً شخصیت، توانایی و حقوق یک زن باید در سطح خانواده مورد تکریم قرار بگیرد و مرد در جایگاه پدر، برادر و همسر، نباید حقوق و اختیارات زن، خواهر و همسر خودش رو پایمال کنه».

بنابراین باور به توانایی زنان و لزوم حضور آنان در جامعه به عنوان یک شهروند با حقوق مسلم شهروندی و رعایت و تکریم شأن و جایگاه آنان اگرچه امری بدیهی محسوب می شود، اما با توجه به نظام مردسالار حاکم و عقاید و باورهای قدیمی، می تواند تسهیل کننده حضور و مشارکت فعالانه زنان در جامعه و دستیابی آنان به جایگاه های اجتماعی ای شود که تا به حال به دلیل عدم پذیرش اجتماعی و فرهنگ های زن ستیز، حصول آن ها ناممکن بوده است.

(م. ۱۶) درباره سيطرة نظام مردسالار بر ابعاد مختلف شهر و محدودیت زنان افزود: «برخوردهای سنگین، احساس بسته بودن دست و پا و برچسب خوردن در مواجهه با تجربه کردن یک سری فضاها و کارها باعث اضطراب، دلهره و سرخوردگی خانم ها می شه...».

باید توجه داشت در نظر گرفتن فضاهایی جهت حضور مردان و زنان به صورت تفکیک شده، باعث می شود از میزان همگانی بودن فضاهای شهری که فرصت ارتباط و تعامل شهروندان با یکدیگر را فراهم می کنند، کاسته شود. این موضوع جامعه را از واقعیت و اصل هم زیستی در عین حفظ و پاسداشت حقوق یکدیگر دور می کند. درواقع تفکیک و انتزاع جنسیتی در جامعه، نمی تواند راه حلی پایدار برای ایجاد امنیت، آسایش، حفظ حقوق و عدالت برای هیچ یک از شهروندان باشد. بلکه ما نیازمند جامعه ای هستیم که فضاها، باورها، حقوق و فرهنگ بر پایه عدالت و فراگیر بودن باشد.

اگر تمهیداتی بر پایه تفاوت های جنسیت بنیان چه برای زنان و چه برای مردان در نظر گرفته می شود، نباید از آن به عنوان یک فرصت در جهت محدود و کنترل کردن افراد استفاده شود؛ چراکه امنیت، برابری، آسایش، عدالت و سایر حقوق شهروندی، در سایه فراگیر بودن معنی پیدا می کنند و نمی توان آن ها را به جنسیت و قشر خاصی محدود کرد. بنابراین در جهت گسترش هر یک از آنان می بایست نیازسنجی، تجزیه و تحلیل و برنامه ریزی اصولی برای جلوگیری از هر گونه تبعیض و اتلاف سرمایه و انرژی، صورت گیرد.

(م. ۱) در جهت تأکید بر ناکافی بودن رویکردهای کورجنسیتی و تفکیک کننده نظام حکمرانی مردسالار در مدیریت شهری گفت: «پارک بانوان اقدام خوبی است اما نباید به بهانه اینکه یک محیط رو

برای خانم‌ها در نظر گرفتن، حساسیتی رو بهداشت و امنیت پارک‌های دیگه نداشته باشن و وقتی یک خانم اعتراضی به شرایط موجود داره، بهش بگن، برو پارک بانوان تا برات چنین مشکل‌هایی پیش نیاد.» و همچنین (م. ۴) در این باره اضافه کرد: «حضور خانم‌ها رو در استادیوم‌ها محدود کردن تا در اون محیط آسیبی بهشون نرسه یا هتک حرمت اتفاق نیفته ولی این راه‌حلی برای خانم‌ها محسوب نمی‌شه، چون عملاً با این کارها دارن به حاشیه فرستاده می‌شن و حقوقشون نادیده گرفته می‌شه.»

۲.۳.۴. فقدان تبعیض‌های مثبت حامی حضور و نقش‌آفرینی زنان در عرصه شهری

فقدان بسترهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی برای دست یافتن به عدالت و فراگیری حقوق، آموزش، آسایش و شکوفایی زنان در شهر، یکی دیگر از عوامل مهمی است که موجب از دست دادن بخش قابل توجهی از پتانسیل زنان به‌عنوان نیمی از ظرفیت‌های شهری می‌شود. ایجاد فضاهایی برای گفتمان عمومی زنان و انتقال تجربه، توانمندسازی و مهارت‌افزایی، سپری کردن اوقات فراغت و غیره که باعث حس تعلق و مسئولیت‌پذیری بیش‌تر در زنان و پذیرش اجتماعی نسبت به ظهور و بروز و توانایی آن‌ها شود، می‌تواند از جمله اقدامات کلیدی در جهت توسعه فراگیر شهر باشد (برومند و امیری، ۱۴۰۲).

(م. ۲) در مورد فقدان آموزش و ترغیب زنان درباره فعالیت‌های اقتصادی و دسترسی محدود آنان گفت: «این برای من عجیبه که آموزش رسمی ما در مدارس، کار کردن خانم‌ها رو ضدارزش جلوه می‌ده و دختران رو برای خونه‌داری و پول گرفتن از مرد خونه ترغیب می‌کنه و درواقع کاهش مشارکت اقتصادی و اجتماعی رو ملاک خنواده خوشحال قرار می‌ده و در جامعه هم تشویق و حمایتی برای خانم‌ها در جهت ایجاد بیزینس خودشون و یا سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی مختلف، نیست.»

فقدان حمایت و در نظر گرفتن شرایطی ویژه، برای زنانی که فرصت و توانایی لازم در زمینه تحصیلات آکادمیک، برای آنان فراهم نبوده، می‌تواند باعث گسترش فقر، فساد، کارهای کاذب، فحشا

و افزایش جراثیم شود؛ چراکه آنان نمی‌توانند به بازارهای کار و فرصت‌های شغلی مطلوب دست پیدا کنند و برای امرار معاش خود با مشکلات زیادی روبه‌رو خواهند بود. بنابراین در نظر گرفتن تسهیلاتی همانند بیمه، وام‌های کم‌بهره، برپایی نمایشگاه‌ها و محل‌هایی برای فروش و عرضه کسب‌وکارهای خرد و خانگی متناسب با شأن و کرامت انسانی، باعث حضور آن‌ها در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی سالم می‌شود.

(م. ۸) درباره ضرورت حمایت از نقش‌آفرینی زنانی که تخصص یا تحصیلات کم‌تری دارند، بیان کرد: «خیلی مهمه که از کسب‌وکارهای خونگی و کوچیک خانم‌ها حمایت بشه، چون اون‌ها مثل آخرین تلاش برای جلوگیری از ایجاد یک انحراف هستن. به نظرم اون‌ها به دلیل نداشتن تحصیلات و تخصص، توی دنیایی که تخصص محور شده، کار سختی پیش‌رو دارن و آخرین راهیه که می‌تونن یک زندگی اگرچه سخت اما سالم داشته باشن.» و (م. ۱۱) افزود: «حتی به نظرم کارهایی مثل آماده کردن سبزی، غذاهای نیمه‌آماده، ترشی و این جور چیزا می‌تونه به خانم‌های شاغل دیگه هم خیلی کمک کنه.»

۴.۳.۳. برشمردن زن به‌عنوان شهروند درجه‌دو و عدم ارزش‌گذاری صحیح از کار و فعالیت آن‌ها در نظر گرفتن زن به‌عنوان جنس درجه‌دو و رواج این تفکر در جامعه، منجر به تضييع حقوق زنان در ابعاد گسترده‌ای شده است. آن‌ها از فرصت‌های شغلی کم‌تری برخوردارند و کارفرمایان به خود اجازه می‌دهند تا نسبت به پرداخت حقوق زنان تبعیض‌های فاحشی قائل شوند. جدی گرفته نشدن فعالیت‌های زنان، دسترسی محدود آن‌ها به بازارهای کاری، عدم حق مالکیت و تلاش برای به دست آوردن حداقل‌ها، باعث شده تا زنان در حاشیه بمانند و مورد بهره‌کشی قرار گیرند.

(م. ۱۷) در این باره مثالی را ذکر کرد: «یک اتفاق رایج در جامعه کارگری اینه که یک زن حداقل حدود یک‌چهارم دستمزد کم‌تری نسبت به یک مرد دریافت می‌کنه؛ علتش هم اینه که زنه. و این نابرابری همه جوره از لحاظ روحی و روانی و اقتصادی برای اون زن آسیب‌زننده‌ست.»

در پی این تفکر، شغل‌هایی با موقعیت‌های اجتماعی بهتر، درآمد و مزایای بیش‌تر از زنان سلب و حضور و فعالیت‌های آنان به محیط خانه و دور از مراتب تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، محدود می‌شود. همچنین این تفکر، خودباوری و کارآمدی زنان را تقلیل می‌دهد و منجر به بازتولید چرخه سرکوب و عقب‌ماندگی توسط خود زنان می‌شود؛ چراکه جنس درجه‌دو بودن از فرزند درجه‌دو بودن در خانه آغاز می‌شود، فرد با این دیدگاه وارد جامعه می‌شود و با آگاهی کم، نسبت به حقوق خود از بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی باز می‌ماند، فرصت شکوفایی را پیدا نمی‌کند، با افراد موفق هم‌جنس خود همکاری و ارتباط خوبی ندارد و درنهایت فرزندان با این تفکر، پرورش می‌دهد.

(م. ۱۹) معتقد بود که: «به رسمیت شناختن وجود یک زن به‌عنوان یک انسان، نه به‌عنوان یک انسان درجه‌دو یا کسی که خدمت‌رسان هست می‌تونه آرامش، امنیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی رو برای شهر فراهم کنه. همچنین زنان به‌واسطه نقش مادری، سهم بزرگی در تربیت و پرورش نسل آینده دارن. مادرانی با پذیرش و عقیده جنس درجه‌دو بودن، دختران و پسرانی با این باور پرورش می‌دن و این چرخه باطل در جامعه به حیات خودش ادامه می‌ده و مشکل‌ساز می‌شه.»

۴.۴. راهبردهای مقابله‌ای

۴.۴.۱. به رسمیت شناختن حقوق و جایگاه زنان در جامعه و تخصیص فرصت‌های شغلی برابر

زنان باید در ابعاد متنوع و متکثر کارشناسی، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، قانون‌گذاری و مدیریتی شهری که در آن زندگی می‌کنند، نقش‌آفرین باشند. مشارکت و حضور پررنگ و فعال زنان، بهره‌گیری از ظرفیت و توانایی‌های آن‌ها از الزامات یک جامعه و شهر سالم محسوب می‌شود که در راستای ارتقا و توسعه پایدار خود، رفاه و ملزومات زندگی شهروندان خود را در نظر می‌گیرد.

(م. ۱) درباره لزوم حضور زنان و تأثیر آنان بر سلامت فضا گفت: «تجربه زیسته من نشون داده که حضور زنان، باعث تلطیف و سرزندگی بیش‌تر اون محل می‌شه، حتی در محیط‌های صنعتی که بیش‌تر محیط‌های مردونه حساب می‌شن، باعث می‌شه آقایون بیش‌تر مراقب رفتار، کلام و حتی

پوششون باشن.» و (م. ۲۴) در همین راستا افزود: «... در واقع حضور زنان باعث انسان‌محور شدن یک فضا می‌شه.»

همچنین در نظر گرفتن جایگاه و سهم زنان در جامعه از طریق اختصاص عادلانه فرصت‌های شغلی، ظرفیت پذیرش در سیستم‌های اجتماعی و احترام به حقوق آنان می‌تواند، مشارکت فعال و در پی آن پویایی و سلامت جامعه را تضمین کند. (م. ۳۰) در این باره گفت: «همون‌طور که در دانشگاه‌ها یک‌سری ظرفیت‌های پذیرش رو تقسیم کردن و شاهد حضور برابر هر دو جنسیت و پیامدهای مثبتش بودیم، برای فرصت‌های شغلی هم می‌تونه این اتفاق بیفته تا حقوق زن در شهر به رسمیت شناخته بشه.»

۴.۴.۲. مشارکت دادن زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی

بهره‌گیری از فرصت‌ها و نقاط قوت زنان، در فرآیند برنامه‌ریزی مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی شهر، می‌تواند پلی به‌سوی توسعه پایدار محسوب شود. در واقع از این راه می‌توان در جهت دستیابی به شهری سالم، فراگیر و دوست‌دار زن بهره برد تا حضور و مشارکت فعال زنان را افزایش داد. برای تحقق این هدف می‌بایست از زنان در سطوح مختلف برنامه‌ریزی اعم از نیازسنجی، شناخت و حصول شبکه مسائل زنان در شهر، تجزیه و تحلیل داده‌ها، دستیابی به راه‌حل‌ها و در نهایت ارائه برنامه‌های توسعه بهره گرفت.

(م. ۲۵) در مورد ضرورت حضور زنان در سطوح مختلف مشارکت گفت: «مشارکت زمانی می‌تونه سازنده باشه که در سطوح مختلف از نیازسنجی و استخراج شبکه مسائل گرفته تا برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و اجرایی از ذی‌نفعان کمک گرفته بشه. بنابراین زنان باید حضور و مشارکت فعال داشته باشن و با نقش‌آفرینی در سطوح مختلف سهم خودشون رو در جهت دستیابی به شهر دوست‌دار زن بپردازن.»

۴.۴.۳. ایجاد عدالت و برابری در دسترسی به امکانات، خدمات و فضاهای همگانی

در بسیاری از جوامع زنان به دلیل موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی از بسیاری از امکانات و خدمات شهری محروم می‌شوند. طراحی فضاهای همگانی و فراهم کردن خدمات و امکانات عمومی باید به گونه‌ای باشد که نیازهای ویژه زنان از جمله امنیت، دسترسی به خدمات بهداشتی و رفاهی و فرصت‌های اجتماعی را پوشش دهد. با فراهم آوردن شرایط برابر و عدالت دسترسی، زنان قادر خواهند بود تا نقش فعال‌تری در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهر ایفا کنند.

(م. ۷) در راستای کاهش نابرابری‌ها و ارتقاء کیفیت زندگی زنان از طریق طراحی فراگیر شهری گفت: «باتوجه به اهمیت فضاهای همگانی در تعاملات اجتماعی، شهرها باید جوری طراحی و ساخته بشن که برای تمامی افراد، به ویژه زنان، دسترسی آسون و امن فراهم باشه. این موضوع باعث افزایش مشارکت اجتماعی زنان، تقویت حس تعلقشون، بهبود وضعیت روانی و جسمی اون‌ها و نه تنها باعث ارتقای عدالت اجتماعی می‌شه، بلکه به توسعه پایدار و کیفیت محیط‌زیست شهری هم کمک می‌کنه.»

۴.۴.۴. بهبود شاخص‌های امنیت، ایمنی، بهداشت و محیط‌زیست به صورت گسترده در سطح شهر

زنان به واسطه نقش‌های متعددشان در خانواده و اجتماع و مسئولیت‌هایی که بر عهده دارند به مقدار قابل توجهی در معرض آلودگی‌های محیط‌زیست شهری قرار می‌گیرند و همان‌طور که در بالا ذکر شد میزان آسیب‌پذیری‌شان در برابر این آلودگی‌ها بیش‌تر است. بنابراین تشکیل کارگروه‌های محیط‌زیستی جهت بررسی، پایش و کنترل کیفیت مؤلفه‌های محیط‌زیستی در شهر دوست‌دار زن الزامی خواهد بود تا ضرورت اهمیت به محیط‌زیست شهر را بیش از پیش مشخص و عمومی کند. همچنین مؤلفه‌های امنیت، ایمنی و بهداشت در سطح شهر می‌بایست در حد قابل قبولی برقرار باشد؛ چراکه زنان مستعد بیماری‌های عفونی بیشتری هستند و از سوی دیگر به علت نقش خطیر مادران در مراقبت‌های والدینی، باید نیازهای بهداشتی، مراقبتی و امنیتی کودکان و خردسالان را نیز در زمره نیازهای زنان در نظر گرفت. بنابراین در نظر داشتن تمهیدات بهداشتی، امنیتی و آسایشی لازم می‌تواند حضور دختران، زنان و مادران را در سطح شهر افزایش دهد.

(م. ۲۵) درباره آسیب پذیری و حساسیت زنان نسبت به مؤلفه های محیط زیست شهری گفت: «... کیفیت سایر مؤلفه ها مثل آب و هوا بر سلامت زنان تأثیرات جدی تری می دارد، مثلاً آلودگی هوا باعث به هم ریختن چرخه قاعدگی خانم ها و مستعد شدن اون ها برای بیماری هایی مثل سندرم تخمدان پلی کیستیک و حتی ناباروری و زایمان زودرس می شه و اگر این چیزها کنترل نشن، هزینه های اجتماعی بیشتر می شن.»

۴.۴.۵. توانمندسازی گسترده زنان و ارائه تسهیلات

توانمندسازی اقتصادی زنان پیش بایست مشارکت فعالانه آن ها در جامعه است و می تواند به امنیت و سلامت شهری کمک کند. بنابراین اقداماتی مانند در نظر گرفتن مرخصی های ماهانه باتوجه به سازوکار بدن زنان، مرخصی زایمان، ایجاد فضاهایی برای نگهداری کودکان و تضمین به کارگیری مجدد پس از زایمان، می تواند به اشتغال پایدار و توانمندسازی اقتصادی زنان کمک کند. درواقع زنان باید نسبت به حقوق خود آگاه باشند و آن را مطالبه و پیگیری کنند و شهر دوست دار زن نیز از عدالت و امنیت اجتماعی گسترده با رویکرد شایسته سالاری برخوردار باشد.

توانمندی های زنان می تواند از طریق فراهم کردن سازوکارهای آموزش های مهارتی، اشتغال، خدمات بهداشتی و اجتماعی مناسب و همچنین حمایت از کارآفرینی زنان تسهیل و تسریع شود. علاوه بر آن ایجاد فرصت های شغلی در بخش های مختلف، به ویژه در فضاهای همگانی و خدمات شهری می تواند زنان را در مسیر استقلال اقتصادی قرار دهد و به افزایش مشارکت آن ها در تصمیم گیری های شهری کمک کند. همچنین ارائه تسهیلاتی نظیر خدمات حمل و نقل ارزان و ایمن، فضاهای کاری انعطاف پذیر و تأمین امنیت در فضاهای همگانی نه تنها به توانمندسازی زنان بلکه به ارتقای کیفیت زندگی عمومی کمک می کند.

(م. ۲۵) مثالی درباره توانمندسازی زنان از طریق ارائه تسهیلات در یک طرح از شهر دوست دار زن ذکر کرد: «در کپنهاگ طراحی فضاهای همگانی و خدمات شهری به نحوی صورت گرفته که نیازهای زنان رو در اولویت قرار می ده. یکی از اقدامات مهم این شهر، ایجاد فضاهای کاری

انعطاف‌پذیر برای خانم‌هاست که به اون‌ها این امکان رو می‌ده تا علاوه بر کار در خانه یا محیط‌های عمومی، در زمان‌های مختلف به شغل خودشون ادامه بدن.»

۴.۴.۶. آموزش و ایجاد آگاهی از حقوق و فراهم آوردن بستر مطالبه و همراهی سالم و کارساز اولین گام در جهت دستیابی به شهری فراگیر که زنان را با تفاوت‌های جنسیت‌بنیانشان در نظر دارد، آموزش درباره حقوق و تکالیفشان در عرصه‌های شهری است. محتوای چنین آموزش‌هایی باید ناظر بر تمهیداتی باشد که بتواند از ظرفیت‌ها و توانایی‌های بالقوه آن‌ها، در جهت رشد و توسعه پایدار شهری خود بهره ببرد. درواقع آگاهی پیدا کردن از امکان وجود چنین شهری، می‌تواند زمینه‌ساز و انگیزه‌ای برای تحقق و دستیابی به آن باشد. از زمانی که اولین شهرها براساس نظام فکری و نیازسنجی‌های مردانه بنا شدند تاکنون، ضعف آگاهی درباره این امکان و ضرورت، باعث عدم تغییر اساسی در این روند شده است.

(م. ۵) درباره اهمیت آگاهی زنان گفت: «من قبل از این مصاحبه نمی‌دونستم که چنین شهری می‌تونه وجود داشته باشه و راجع بهش فکر نکرده بودم، اما مسائل زیادی هست که هرروزه به‌خاطر جنسیت‌م در شهر باهاش روبه‌رو و درگیرم. من فکر می‌کنم خانم‌ها باید بدونن که می‌تونن توی شهری زندگی بکنن که بخش زیادی از این مسائل و مشکلات رو نداشته باشن و این رو به چشم یک رؤیا نبینن بلکه یک حق بدونن.»

بهره‌گیری از آموزش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای همه شهروندان به‌خصوص از سنین پایین، جهت ایجاد آگاهی و شناخت از حقوق، خواسته‌ها و نیازهایشان، می‌تواند گام اول و مهم فرهنگ‌پروری برای داشتن جامعه‌ای باشد که در آن افراد، تحت تربیت بوم‌شناختی قرار می‌گیرند (برومند و کلاهی، ۱۴۰۰؛ برومند و کلاهی، ۱۴۰۳؛ برومند و امیری، ۱۴۰۳). بدین طریق افراد می‌آموزند تا فارغ از جنسیت، به‌عنوان عاملی که در آن نقشی نداشتند، در جهت ارتقاء و توسعه فردی خود فعالیت کنند و حقوق دیگران را نیز براین‌اساس ببینند.

(م. ۲۰) درباره ضرورت آموزش و کار کردن بر روی روابط اجتماعی جهت دستیابی به فرهنگ موردنظر گفت: «تصور من اینه که فرهنگ ساختنی نیست، فرهنگ خودش ساخته می‌شه. این روابط اجتماعی و آموزش‌های ما هست که می‌تونه روی فرهنگ تأثیر بذاره. این تأثیر می‌تونه مستقیم، غیرمستقیم و یا برعکس باشه ... درواقع بررسی معضلات و مشکلات اجتماعی به‌شدت روی روابط اجتماعی افراد اثر می‌ذاره و این تأثیر در درازمدت تغییرات فرهنگی رو رقم می‌زنه.»

همچنین (م. ۱۸) با تأکید بر شایسته‌سالاری و تقویت توانایی‌های فردی اظهار داشت: «تمرکز بر ویژگی‌های اخلاقی و انسانی در جامعه باید برای هر دو جنس پایه‌گذاری بشه تا افراد ارزشمندی خودشون رو با توانمندیشون اثبات بکنن نه صرفاً با ویژگی‌های جنسیتی شون. مثلاً در یک نشستی که شرکت کرده بودم آقای... که رئیس کارخونه... بود می‌گفت من به کارگرم کتاب می‌دم و از اون‌ها خلاصه کتاب می‌خوام و درواقع خلاصه کتاب و اون رشد و آگاهی که به‌لحاظ شخصیتی پیدا می‌کنن، می‌شه ملاک افزایش حقوق.»

مؤلفه تأثیرگذار بعدی حمایت و همراهی جامعه، علی‌الخصوص خود زنان با شهروندانی است که در جهت دستیابی به شهری فراگیر و انسان‌مدار تلاش می‌کنند. مطالبه و حق‌خواهی دسته‌جمعی که براساس آگاهی و در چارچوب قوانین و سیاست‌های مربوطه باشد، از قدرت اثرگذاری بالاتری برخوردار است. همچنین مشارکت زنان در پی اطلاع آنان از میزان اهمیت و مؤثر بودنشان، در طیف گسترده و سطوح متنوع فرآیند برنامه‌ریزی، اجرایی، مدیریتی و قانون‌گذاری، می‌تواند در تسهیل و پیشبرد این مهم، بسیار ضروری و قابل توجه باشد.

(م. ۹) در ارتباط با حمایت زنان از یکدیگر و اثر همراهی و مطالبه جمعی گفت: «خانم‌ها خیلی بهتر می‌تونن هم‌دیگه رو درک کنن و از طرفی، تبعیض‌ها و مشکلاتی که سالیان طولانی بین خانم‌ها مشترک بوده و هست، طیف وسیعی از خانم‌ها رو در بر می‌گیره. ... مثلاً همین پژوهش یک اقدامیه برای جلب توجه به این موضوع که خانم‌ها نباید نادیده گرفته بشن و توانایی‌ها و نیازهاشون باید منجر به تغییراتی در شهر بشه که زیست اون‌ها و سلامت شهر رو تسهیل کنه.»

۷.۴.۴. پیامدهای مقابله با به‌حاشیه راندن و مشارکت‌زدایی زنان از عرصه شهری

۷.۴.۴.۱. کاهش اشکال استثمار، تبعیض و خشونت علیه زنان

فراهم آوردن زمینه‌هایی جهت مشارکت زنان برای دستیابی و تحقق شهر دوست‌دار زن که نسبت به شهرهای حال حاضر از فراگیری بیش‌تری برخوردارند، در کنار آمادگی ذهنی شهروندان، می‌تواند منجر به نقش‌آفرینی متنوع، گسترده و اثربخش زنان و کاهش استثمار و تبعیض شود. زنان برای ساختن چنین شهری می‌بایست در جهت توانمندسازی خود، پذیرش ریسک، افزایش جسارت عمل و تغییر دیدگاه جامعه نسبت به جایگاه اجتماعی‌شان، تلاش‌های زیادی داشته باشند.

(م. ۱۴) درباره ضرورت حضور و نقش‌آفرینی زنان جهت از حاشیه در آمدن آنان گفت: «به نظر من اقدام برای حضور و نقش‌پذیری در جامعه مهم‌ترین قدمه؛ چراکه تا حضور صورت نگیرد، مشکلات مطرح نمی‌شن تا برای حل اون‌ها اقدامی انجام بشه. خودسانسوری یا پاک کردن صورت مسئله و چشم‌پوشی از شرکت در بخش‌های مختلف جامعه و عدم پذیرش ریسک‌ها در بعضی موقعیت‌ها، باعث مهجور موندن زنان می‌شه.»

(م. ۵) در ارتباط با مشارکت آگاهانه و نقش‌آفرینی زنان با تأکید بر آشنایی با نیازهای واقعی زنان برای دستیابی به حقوقشان گفت: «وقتی من بدونم شهر دوست‌دار زن یک فانتزی نیست و به چشم یک پروژه و هدف قابل دستیابی بهش نگاه کنم، حتماً از تخصصم در این راستا استفاده می‌کنم. مثلاً یک خانم طراحی محیط و مبلمان شهری رو، اون‌جوری که برای خانم‌ها راحت‌تر و زیباتر انجام می‌ده.» همچنین (م. ۲۳) افزود: «اون خانمی که تخصصش حقوقه در زمینه قانون و سیاست‌گذاری سعی می‌کنه که مسائل زنان بیش‌تر پوشش داده بشه، اون‌ی که تخصصش محیط‌زیسته سعی می‌کنه از پتانسیل‌های زنان برای اقدام‌های حفاظتی و بهبود کیفیت محیط‌زیست شهری استفاده کنه و الی آخر.»

۷.۴.۴.۲. توسعه پایدار و فراگیر شهری

توسعه پایدار و فراگیر شهری یکی از مهم‌ترین پیامدهای مقابله با به حاشیه رفتن زنان و کاهش مشارکت آن‌ها در عرصه‌های شهری است. در یک شهر پایدار، طراحی فضاها و زیرساخت‌ها

به گونه ای است که نیازهای همه گروه ها، به ویژه زنان، را در نظر دارد. این امر نه تنها به ارتقای کیفیت زندگی زنان کمک می کند، بلکه به مشارکت آن ها در فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شهری نیز می انجامد. وقتی زنان به فضاهای همگانی، خدمات بهداشتی، حمل و نقل عمومی و فضاهای کار، دسترسی برابر و ایمن داشته باشند، به راحتی می توانند در فعالیتهای مختلف شهری مشارکت کنند و در فرآیند برنامه ریزی از حاشیه به متن بیایند و کم تر از محدودیتهای اجتماعی و کالبدی-فضایی متضرر شوند.

(م. ۷) درباره نتیجه ایمنی و دسترسی برابر زنان به فضاهای همگانی و خدمات شهری گفت: «طراحی فضاهای همگانی امن، افزایش روشنایی خیابونها، نصب دوربین های نظارتی در نقاط پرخطر و حضور پلیس، به زنان این امکان رو می ده که بدون ترس از آزار و اذیت به راحتی در شهر تردد و فعالیت کنن.»

همچنین (م. ۲۱) در ارتباط با لزوم وجود سیاست های حمایتی از مشارکتهای اقتصادی و اجتماعی زنان جهت تحقق توسعه پایدار گفت: «ایجاد مشوق هایی برای کارآفرینی زنان و ارائه تسهیلات شغلی در بخش های مختلف، زمینه مشارکت بیشتر زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی رو فراهم می کنه. این نوع سیاست ها نه تنها به ارتقای کیفیت زندگی زنان کمک می کنه، بلکه باعث توسعه پایدار شهری از طریق بهبود تعاملات اجتماعی، کاهش نابرابری ها و ارتقای محیط زیست شهری می شه.»

۴.۴.۷.۳. بهبود کیفیت زندگی از طریق ارتقاء مؤلفه های محیط زیست شهری

شهر دوست دار زن باید به عنوان شهری فراگیر و پایدار، بستری مناسب را برای شکل دهی و تقویت هویت بوم شناختی^۱ شهروندان فراهم کند و میزان ارتباط آنان با محیط های طبیعی را افزایش دهد. اگرچه که شهرنشینی و سبک زندگی ماشینی، فرصت ارتباط و تعامل با طبیعت را محدود کرده اما وجود مجموعه هایی نظیر موزه های تاریخ طبیعی، باغ وحش ها، آکواریوم ها، باغ های گیاه شناسی،

1. Eco-identity

مدارس طبیعت و فضاهای سبز می تواند به عنوان برشی از یک طبیعت زمینه ساز افزایش فرصت های تجربه طبیعت برای آحاد شهروندان به خصوص کودکان شود (ملکزاده و همکاران، ۱۴۰۱). علاوه بر لزوم وجود مراکز تفریحی و آموزشی ذکر شده، کیفیت هر یک از آنها نیز بسیار حائز اهمیت است. به غیر از پارک ها و مدارس طبیعت، برای سایر مراکز می توان به چهار رسالت آموزشی، پژوهشی، تفرجی و حفاظتی اشاره کرد که به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر هویت بوم شناختی شهروندان تأثیر می گذارد (موسوی و همکاران، ۱۴۰۲). هویت بوم شناختی با تأثیر بر میزان مسئولیت پذیری، چگونگی برخورد با انسان ها و سایر موجودات زنده، تقویت حس مکان و افزایش سلامت روانی افراد، باعث ارتقاء روابط و اخلاق اجتماعی در شهر و کیفیت زندگی شهروندان می شود (طباطبایی یزدی و برومند، ۱۳۹۹).

(م. ۲۵) درباره لزوم وجود مراکز آموزش محیط زیست با رویکرد آموزش حواس افزوده گفت: «برای من مهمه که در آینده بچه ام یاد بگیره به غیر از آدم ها، با محیط و سایر موجودات هم به خوبی رفتار کنه، مثلاً از حیوانات ترسه، به گیاه ها و درخت ها آسیب نزنه و انسان مسئولیت پذیر و سالمی باشه. ... و این جا نقش موزه ها، باغ وحش ها و پارک ها خیلی بیش تر از قبل به چشم میاد.»

عواملی مانند دسترسی خوب به فضاهای سبز، کاهش آلودگی هوا، ارتقای زیرساخت های حمل و نقل عمومی از دیگر پیامدهای ارتقای مؤلفه های محیط زیست شهری، به شمار می رود. فضاهای سبز شهری نه تنها به بهبود کیفیت هوا کمک می کنند، بلکه مکان هایی برای استراحت، فعالیت های اجتماعی و تعاملات عمومی فراهم می آورند که به ارتقای سلامت روانی و اجتماعی شهروندان، به ویژه زنان، منجر می شود. همچنین، بهبود دسترسی به حمل و نقل عمومی ایمن و ارزان، کاهش ترافیک و آلودگی صوتی و ایجاد فضاهای همگانی امن و مناسب، باعث ارتقای امنیت و راحتی در زندگی روزمره افراد می شود.

۴.۷.۴. افزایش حضور زنان در جامعه و سلسله مراتب کارشناسی، تصمیم گیری، برنامه ریزی و

قانون گذاری

نمونه‌های موفق بین‌المللی و ملی از حضور زنان در رده‌های کارشناسی تا مدیریتی، نشان از کارآمدی و توانایی زنان در سطوح مختلف حرفه‌ای دارد و علاوه بر آن تأثیر به‌سزایی در تشویق سایر زنان در عرصه‌های اجتماعی دارد. نقش‌آفرینی زنان در جایگاه‌های مختلف اجتماعی به باورمندی کارآمدی آنان، نه تنها برای زنان بلکه در سطح اجتماع، تأثیرگذار است و در جهت تسهیل به‌کارگیری زنان و تحقق مشارکت فعالانه آنان در طیف وسیع و متنوعی از فعالیت‌ها، بسیار مؤثر خواهد بود.

(م. ۷) در جهت تأکید اعتماد به کارآمدی زنان افزود: «نمونه‌های موفق جهانی از حضور زنان به‌عنوان رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر که زیاده، اما در سطح ملی هم می‌تونیم به ریاست سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت راه، ریاست فراکسیون محیط‌زیست مجلس اشاره کنیم که به نظر می‌تونه خیلی امیدبخش باشه برای خانم‌ها و به‌طور ویژه‌تر برای دانشجویان دختری که یا تو اون رشته‌ها تحصیل می‌کنن یا کلاً قراره وارد بازار کار دل‌خواهشون بشن».

۴.۴.۵. تقویت نقش‌آفرینی زنان در فراگیری و ارتقاء کیفیت مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی و

محیط‌زیستی شهر

به این نکته باید توجه داشت که تحقیقات نشان داده‌اند که مشارکت زنان در سطوح مختلف اجتماعی و اقتصادی، پیشرفت‌های چشم‌گیری را رقم زده است. درواقع زنان به‌دلیل تجربه تبعیض‌های طولانی‌مدت، بهتر می‌توانند در راستای تحقق عدالت و فراگیری شهر بکوشند. همچنین زنان از همدلی و دید بهتری در زمینه نیازها و مشکلات واقعی زنان برخوردار هستند. تجربه نشان داده زنان در ارائه راهبردهای کاربردی، اقدامات حفاظتی و محیط‌زیستی، توجه به جزئیات و در نظر گرفتن طیف‌های متنوع در هر زمینه به‌خوبی عمل می‌کنند.

(م. ۱۳) در راستای تأکید بر اثرگذاری نقش‌آفرینی و مشارکت زنان گفت: «هفته پیش من در یک کنفرانس شرکت کردم که محوریتش ورزش بود، اما به دلیل اینکه کیفیت و کمیت پژوهش‌های خانم‌ها زیاد بود، این کنفرانس با موضوعیت ورزش زنان پیش رفت و برگزار شد. یعنی می‌خوام بگم مشارکت خانم‌ها می‌تونه چقدر تأثیرگذار و تعیین‌کننده باشه».

همچنین ویژگی‌های جنسیت‌بنیان و ذاتی زنان مانند قدرت باروری و پدیدآوریشان، آن‌ها را نسبت به طبیعت و محیط‌زیست نزدیک‌تر و حساس‌تر کرده است. زنان به واسطهٔ ژینایی ذاتی خود، در نگهداری، مراقبت و پرورش موجودات و عوامل زننده اهتمام بیش‌تری می‌ورزند و بهتر عمل می‌کنند. در طول تاریخ شاهد جنبش‌های محیط‌زیستی زیادی هستیم که با زنان آغاز شده و توانسته گام مهمی در جهت حفظ، بهبود و جلب توجه به‌سوی مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی بردارد. بنابراین در شهر دوست‌دار زن نه‌تنها به مؤلفه‌ها و مسائل محیط‌زیستی و اجتماعی توجه می‌شود، بلکه از پتانسیل ذاتی زنان در حل و کنترل این مسائل بهره گرفته می‌شود.

علاوه بر مواردی که ذکر شد، زنان به‌دلیل مدیریتی که در سطح خانه و خانواده دارند، می‌توانند از اثرگذاری بسیار گسترده‌تری، در جهت پیش‌برد این مهم استفاده کنند. درواقع زنان هستند که مصرف انرژی در خانه را کنترل و مدیریت می‌کنند، تولید پسماند را از مبدأ کنترل و آن را تفکیک می‌کنند و نحوهٔ صحیح مصرف و برخورد در این حیطه را به فرزندان که نسل آینده هستند، منتقل می‌کنند. همچنین دوستی با عناصر و عوامل زننده مثل گیاهان، درختان، حیوانات و هم‌نوعان را به فرزندان و سایر اعضای خانواده یادآوری می‌کنند و مسئولیت‌پذیری در قبال همهٔ این‌ها را آموزش می‌دهند (برومند و امیری، ۱۴۰۲).

(م. ۱۷) در این باره معتقد بود که: «پایهٔ اصلی حفاظت و پایداری محیط‌زیست در شهرها خانم‌ها هستند. چون کنترل و نظارت دارن روی اون‌چه که در خونه به مصرف می‌رسه از نحوه و میزان مصرف انرژی که می‌تونه بهینه باشه، بگیر تا مواد غذایی که مربوط به سلامت خانواده‌ست و حتی استفاده از مواد شوینده که باعث افزایش آلاینده‌گی پساب و فاضلاب‌های شهری می‌شه و در شهرهایی که سیستم آگو ندارن، وارد زمین و آب‌های زیرزمینی می‌شه.»

۴.۵. مدل پارادایمی پژوهش

مطالعهٔ «شهر دوست‌دار زن» در بستر تجربیات زیستهٔ شهروندان در راستای دست‌یابی به توسعهٔ پایدار در پژوهش حاضر منجر به شکل‌گیری و ارائهٔ مدل پارادایمی شکل ۱ شده است.



منبع: (نگارندگان، ۱۴۰۳)

پژوهش حاضر همسو با پژوهش‌های گونی و همکاران (۲۰۲۰) و چانگ و همکاران (۲۰۲۲)، نقش دیرینه‌ای که شهرها در هدایت زندگی اجتماعی داشته‌اند و تجربه متفاوت زنان نسبت به مردان از زندگی شهری به سبب شکل‌گیری شهرها براساس نظام فکری مردان را به‌عنوان بخش مهمی از شرایط علی مشارکت‌زدایی زنان از عرصه‌های شهری، تأیید می‌کند. درواقع استفاده زنان از محیط انسان‌ساخت و مصنوعی، متفاوت از مردان است؛ زیرا شکل‌ها، سنت‌ها، نقش‌ها و مسئولیت‌های متفاوتی به آن‌ها داده می‌شود. مردانه بودن شهرها، نابینایی جنسیتی در برنامه‌ریزی شهری و درنظر نگرفتن زنان و نیازهای آنان نیز از دیگر دلایلی است که تجربه زیست آنان را متفاوت و محدود می‌کند.

در پژوهش حاضر همسو با یافته‌های پژوهش‌های چو و همکاران (۲۰۲۳) و سابروتو (۲۰۲۴)، ناامنی فضاهای شهری و دسترسی سخت و محدود به امکانات، خدمات و فضاهای همگانی از دیگر شرایط علی حاشیه‌نشینی زنان در عرصه شهری شناخته شد. اشکال آزار و اذیت خیابانی می‌تواند از کلمات، نگاه‌ها و حرکات مبتذل گرفته تا آزار و اذیت فیزیکی متفاوت باشد. پتانسیل و تأثیر بالای آزار و اذیت خیابانی مطمئناً باعث ترس و ناامنی شهروندان زن هنگام استفاده از خدمات و فضاهای همگانی می‌شود. بنابراین، در مدیریت شهری برای تأمین امنیت و حفاظت از شهروندان زن، باید تمهیدات لازم اندیشیده شود تا آنان بتوانند در هنگام استفاده از امکانات عمومی به اندازه شهروندان مرد احساس ایمنی و امنیت کنند. در غیر این صورت با محدودیت حضور و ایفای نقش زنان در جامعه مواجه خواهیم بود.

یافته‌های پژوهش حاضر در راستای یافته‌های مطالعات چو و همکاران (۲۰۲۳)، موسوی و همکاران (۱۴۰۲) و دتزاز و پکسن (۲۰۱۸) به اثرگذاری فقدان فرصت‌های برابر برای مشارکت زنان در اقتصاد و دستیابی برابر به موقعیت‌های شغلی، جهت توسعه و ارتقای توان فرد و جامعه به عنوان یک شرط علی پژوهش، رسید. همچنین باید توانمندسازی، مشارکت اقتصادی و استقلال مالی زنان را مؤلفه مهمی در احساس آسایش، شادی و خودباوری آنان ارزیابی کرد.

نتایج مطالعه حاضر، هم‌راستا با یافته‌های لی و همکاران (۲۰۲۴) و جو و همکاران (۲۰۲۰) به عنوان یکی از شرایط مداخله‌گر برای مشارکت‌زدایی زنان در عرصه شهر، دریافت استانداردهای HSE، زیبایی‌شناختی، محیط‌زیستی و رفاهی برای زنان مناسب نیست. همچنین زنان را حساس و مؤثر به ساختار، زیبایی بصری، معماری و استانداردهای زیست شهر فراگیر دانست. بنابراین افزایش انواع فضاهای همگانی، امکانات رفاهی و HSE فضاهای عمومی و مؤلفه‌های زیبایی‌شناختی می‌تواند سطح دوست‌دار زن بودن فضاهای همگانی و نشاط و سرزندگی را در جامعه بهبود بخشد و از زنان در جامعه حمایت کند. درواقع حضور و فعالیت زنان در جامعه تابعی از امنیت، زیبایی بصری، تنوع کاربری و سهولت دسترسی به فضاهای همگانی، است. بنابر دلایل متعددی که می‌تواند حضور زنان

را تحت تأثیر قرار دهد، وجود زنان در سلسله مراتب طراحی و برنامه ریزی شهری برای برابری و عدالت جنسیتی و پویایی شهر می تواند مفید باشد.

درواقع پژوهش حاضر همسو با پژوهش چانت (۲۰۱۳) دریافت، سه مؤلفه از شرایط مداخله گر پژوهش، یعنی فقدان نمایندگان زن در سلسله مراتب شهری، حاکم بودن ارزش های منسوخ در ارتباط با مشارکت زنان و برقراری طیفی از عدم شفافیت ها مانند نابرابری ها و بی عدالتی های جنسیتی، در مناطق شهری وجود دارد که باعث کاهش مشارکت زنان در بازار کار و جامعه می شود. این سه مؤلفه برای زنان شامل دسترسی نابرابر به کار شایسته، عدم رعایت حقوق مالی و معنوی، ایمنی و امنیت شخصی و نمایندگی در ساختارهای رسمی حکمرانی شهری است. اما ماهیت این موارد برای گروه های مختلف زنان، نه تنها به دلیل وضعیت فقر و محل زندگی آنها در شهر، بلکه با توجه به سن، ویژگی های خانوار، میزان مشارکت در فعالیت های درآمدزا و غیره متفاوت است. بنابراین کمک به ساختن شهری فراگیر و دوست دار زنان در راستای دستیابی به توسعه پایدار شهری، بیش از پیش نمایان می شود.

یافته های پژوهش حاضر هم راستا با مطالعه تان (۲۰۲۴) اذعان دارد یکی از شرایط زمینه ای مشارکت زدایی زنان از عرصه شهری، در نظر گرفتن زنان به عنوان شهروند درجه دو و عدم ارزش گذاری صحیح از کار و فعالیت آنان است. درواقع در نظر نداشتن زنان در برنامه ریزی و طرح توسعه شهری به عنوان شهروند عادی و چشم پوشی از آنها و نقش ها، وظایف، نیازها، ظرفیت ها و چالش هایشان باعث به حاشیه راندن زنان می شود. نکته حائز اهمیت در این باره، شمولیت این شرایط برای تمامی زنان شهر و نه تنها قشر برخوردار و مرفه است.

یافته های پژوهش حاضر همسو با مطالعات چو و همکاران (۲۰۲۳)، موسوی و همکاران (۱۴۰۲) و دتراز و پکسن (۲۰۱۸)، فقدان تبعیض های مثبت حامی حضور و نقش آفرینی زنان که در زمره شرایط زمینه ای پژوهش است، شامل عدم تعهد مالی دولت به حوزه های کلیدی رفاه اجتماعی می شود. این مؤلفه می تواند به توانمندسازی اقتصادی و سیاسی زنان کمک کند و به نوبه خود ممکن

است به رفع عدم تعادل جنسیتی در اقتصاد و حوزه سیاسی و مشارکت فعال زنان در آن دو حوزه منجر شود.

پژوهش‌چو و همکاران (۲۰۲۳) نشان داد که فضای شهری، افراد را وادار می‌کند تا بدن خود را علی‌رغم اینکه میکروسکوپی‌ترین قلمرویی است که مردم می‌توانند داشته باشند، تجاری کنند. درواقع سرمایه‌داری و جو حاکم بر شهر گانگام دائماً برخی از ویژگی‌های زنانگی و مردانگی را بازتولید و ترویج می‌کند. در پی این اتفاق، بدن زنان به گونه‌ای طراحی، بهبود و تغییر می‌یابد که از طریق رژیم غذایی، ورزش و جراحی پلاستیک متناسب با تصویر زنانه ایده‌آل و مطلوب باشد، اما در پژوهش حاضر مطلبی مبنی بر وجود چنین جوی در تجربیات زیسته مصاحبه‌شوندگان به دست نیامد.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر هم‌سو با نتایج مطالعات برومند و کلاهی (۱۴۰۰)، برومند و امیری (۱۴۰۳) و برومند و کلاهی (۱۴۰۳) نشان داد آموزش محیط‌زیست در راستای دستیابی به توسعه پایدار، فراگیری و تاب‌آوری شهری با سرمایه‌گذاری بر دانش‌افزایی، توانمندسازی و افزایش کنش‌گری محیط‌زیستی شهروندان، نقشی حیاتی دارد. بنابراین آموزش شهروندی با دستورکار حفاظت محیط‌زیست و پایداری به عموم شهروندان، مسئولان شهری و برنامه‌ریزان کمک می‌کند تا آگاهی و مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به استفاده بهینه از منابع، کاهش آلودگی و حفظ تنوع زیستی داشته باشند.

پژوهش حاضر هم‌سو با نتایج مطالعات برومند و کلاهی (۱۴۰۰) و ملک‌زاده و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد در سطح سیاست‌گذاری، آموزش محیط‌زیستی به برنامه‌ریزان شهری کمک می‌کند تا استراتژی‌هایی برای ایجاد زیرساخت‌های پایدار و بهبود کیفیت محیط شهری طراحی کنند. این امر می‌تواند شامل حفاظت از منابع طبیعی، آب و تنوع زیستی، استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر، افزایش فضای سبز در شهرها، مدیریت بهتر پسماند و تشویق به ساخت‌وسازهای سبز باشد. از آن‌جا که توسعه شهری باید باتوجه به ظرفیت‌آفرینی اجتماعی صورت گیرد، آموزش محیط‌زیست به عنوان ابزاری مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار شهری ضروری است. این آموزش‌ها نه تنها به بهبود

محیط زیست شهری کمک می کنند بلکه زندگی سالم تر و پایداری برای نسل های آینده به ارمغان می آورد.

به طور کلی مطالعات صورت گرفته لزوم دستیابی به شهرهای فراگیر، برای بازیابی تعادل میان توسعه و پاسخ گویی اصولی به نیازهای انسان را نشان می دهد. شهرهای فراگیر، امکانات و شرایط مورد نیاز برای زیست همراه با آرامش، امنیت، آسایش، رفاه و لذت را برای تمام شهروندان خود اعم از زن و مرد، بزرگسال و خردسال، سالم و توان یاب در تمامی قشرها، با ویژگی ها و نیازهای متفاوتشان، فراهم می کنند. درواقع شهر دوست دار زن، کودک^۱، سالمند^۲، شیردهی، آب^۳، محیط زیست^۴ و غیره، زیرمجموعه های شهرهای فراگیر هستند که هر کدام با تمرکز بر یک قشر یا یک مسئله مغفول، در جهت توسعه پایدار خود می کوشند.

درواقع اهمیت شهر فراگیر و دوست دار زن با تأکید بر نقش آفرینی زنان، در جهت مقابله با کم رنگ شدن حضور زنان و مشارکت زدایی آنان در عرصه های شهری مهم ترین رویکرد این پژوهش محسوب می شود. اگرچه فراگیر بودن برای تمامی جنسیت ها و قشرها لحاظ می شود اما تأکید بر مؤلفه مهم اما مغفول زنان، سبب می شود تا از طریق تأکید و جلب توجه، لزوم فراگیر بودن و اهمیت این مؤلفه در پایداری توسعه بیش از پیش مشخص شود.

نتیجه آنکه بازبینی قوانین و به روزرسانی استانداردها و سیاست های حاکم بر جامعه به طوری که زنان بتوانند، به عنوان نیمی از جمعیت جامعه، در شرایطی متناسب با نیازها و توانایی هایشان، حضور و مشارکت فعال و سازنده در جامعه داشته باشند، می تواند در رشد و شکوفایی شهر در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، محیط زیستی و فرهنگی بسیار مؤثر واقع شود. درواقع رعایت حقوق زنان و

1. Child-Friendly City

2. Age-Friendly City

3. Water-Friendly City

4. Environment-Friendly City

احترام به کرامت و زنانگی آنان در کنار بهره‌گیری از ظرفیت‌های متمایز وجودیشان می‌تواند پلی به‌سوی شهری فراگیر، سالم، امن، پایدار و توسعه‌یافته باشد.

کتابنامه

۱. برومند، ا.، و طباطبایی‌یزدی، ف. (۱۳۹۸). جایگاه زنان در توسعه اکوتوریسم پایدار. مجموعه مقالات همایش ملی زن و توسعه گردشگری روستایی، صص. ۳۵۰-۳۷۵.
۲. برومند، ا.، و امیری، م. (۱۴۰۳). ارائه طرح‌واره‌ی مفهومی آموزش حواس افزوده محیط‌زیست: رهیافتی به‌سوی پایداری. محیط‌شناسی، ۵۰(۲)، ۲۶۱-۲۳۷.
۳. برومند، ا.، و امیری، م. (۱۴۰۳). واکاوی تجارب زیسته والدین مشهدی از تربیت محیط‌زیستی فرزندانشان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۳۵(۱)، ۱۳۸-۱۰۹.
۴. برومند، ا.، و کلاهی، م. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی آموزش آب در درس «انسان و محیط‌زیست» (پایه یازدهم، متوسطه دوم). تدریس‌پژوهی، ۹(۱)، ۲۳۳-۲۰۵.
۵. طباطبایی‌یزدی، ف.، و برومند، ا. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر باغ‌وحش‌ها بر هویت بوم‌شناختی شهروندان. نشریه علمی محیط زیست و توسعه، ۱۱(۲۲)، ۱۳۱-۱۱۹.
۶. عظیمی، م. (۱۳۹۵). شهرهای دوست‌دار زن و استراتژی‌های دست‌یابی به آن. برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۲(۱)، ۸۹-۱۰۵.
۷. فاضلی، ن. ا.، و ضیاجی، م. (۱۳۹۳). شهر دوست‌دار زن: شناسایی معیارهای شهر دوست‌دار زن از نظر زنان متعلق به پایگاه‌ها و گروه‌های مختلف اجتماعی تهران. جامعه‌پژوهی فرهنگی، ۵(۳)، ۸۵-۵۵.
۸. کلاهی، م.، و برومند، ا. (۱۴۰۳). ریشه‌یابی علل حاشیه‌ای شدن ارائه درس شناخت محیط‌زیست در آموزش عالی ایران. فصلنامه علمی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، ۱۲(۳)، ۲۸-۹.
۹. ملک‌زاده، ع.، طباطبایی‌یزدی، ف.، برومند، ا.، و نوغانی‌دخت‌بهمنی، م. (۱۴۰۱). نیم‌رخ تنوع زیستی در دانش، نگرش و رفتار (KAP) شهروندان کلان‌شهر مشهد با رویکرد توسعه پایدار. جغرافیا و پایداری محیط، ۱۲(۲)، ۵۷-۳۷.

۱۰. موسوی، م.، برومند، ا.، و امیری، م. (۱۴۰۲). بررسی ماموریت‌های چهارگانه (آموزشی، پژوهشی، تفرجی و حفاظتی) آکواریوم‌ها: رهیافتی به سوی حفاظت اثربخش «خارج از محل». دومین کنفرانس بین‌المللی علوم دریایی با رویکرد نوآوری در اکوسیستم‌های آبی با تکیه بر اقتصاد دریا پایه، قشم، صص. ۲۰-۱.
۱۱. موسوی، م.، برومند، ا.، و طباطبایی‌یزدی، ف. (۱۴۰۲). تأملی بر تأثیر توانمندسازی زنان روستایی در دستیابی به حفاظت محیط‌زیست (یک مرور روایی)، پنجمین همایش ملی ظرفیت‌ها و محدودیت‌های توانمندسازی زنان روستایی، کلات، صص. ۱۳-۱.

12. Abada, N. (2013). *Understanding Women-Friendly Cities: Distilling Elements from United Nations Designated Cities*, Indiana: Ball State University.
13. Chang, J. I., Choi, J., An, H., & Chung, H. Y. (2022). Gendering the smart city: A case study of Sejong City, Korea. *Cities*, 120, 103422.
14. Chant, S. (2013). Cities through a “gender lens”: a golden “urban age” for women in the global South?. *Environment and urbanization*, 25(1), 9-29.
15. Cho, S., & Song, H. (2023). Gender and the city: correlations between the Gangnam District in Seoul and the tropes of Korean Women from 1970 to 2020. *Journal of Asian Architecture and Building Engineering*, 22(3), 1068-1079.
16. Detraz, N., & Peksen, D. (2018). “Women Friendly” Spending? Welfare Spending and Women's Participation in the Economy and Politics. *Politics & Gender*, 14(2), 137-161.
17. Efe Güney, M., Ay, F., Tuncay, B., Tanrıverdi, S., Şanlı, N., & Akbudak, H. (2022). Assessment of Green areas criteria regarding women-friendly city concept: case study of çiğli. *Cogent Social Sciences*, 8(1), 2148418.
18. Elias, P. (2020). Inclusive city, perspectives, challenges, and pathways. In *Sustainable cities and communities* (pp. 290-300). Cham: Springer International Publishing.
19. Guney, M. E. R. C. A. N., Tezcan, S., & Agin, C. (2020). Being Able to Exist in the City In Defiance of Planning: An Examination on a Woman-Friendly City in İzmir-Konak. *PLANLAMA-PLANNING*, 30(2), 273-293.
20. Güney, M. E., Tuncay, B., Tanrıverdi, S., Şanlı, N., Akbudak, H., & Ay, F. (2022). The Assessment of the Criteria of Social Infrastructure within the Scope of Women-Friendly City Planning Approach: The Example of Çiğli. *ICONARP International Journal of Architecture & Planning*, 10(2), 1-44.

21. Hermaputi, R. L., & Hua, C. (2024). Unveiling the Trajectories and Trends in Women-Inclusive City Related Studies: Insights from a Bibliometric Exploration. *Land*, 13(6), 1-24.
22. Jo, A., Lee, S. K., & Kim, J. (2020). Gender gaps in the use of urban space in Seoul: Analyzing spatial patterns of temporary populations using mobile phone data. *Sustainability*, 12(16), 6481.
23. Leach, M., Mehta, L., & Prabhakaran, P., (2016). *Gender equality and sustainable development: a pathways approach*. UN Women.
<https://www.unwomen.org/sites/default/files/Headquarters/Attachments/Sections/Library/Publications/2016/DPS-Gender-equality-sustainable-development.pdf>
24. Li, Q., Hou, D., Zhang, Z., Chen, Z., Li, W., & Liu, Y. (2024). Evaluation of Public Space in Beijing's Old Residential Communities from a Female-Friendly Perspective. *Sustainability*, 16(19), 1-23.
25. Perdhana, T. S., & Winarso, W. (2023). Urgency of Women Friendly City Development Challenges in the Concept of Sustainable Development. *Journal for ReAttach Therapy and Developmental Diversities*, 6(10s (2)), 1135-1138.
26. Prasad, S. (Ed.). (2023). *Gender, Environment and Sustainable Development: Challenges and Responses from India*. Taylor & Francis.
27. Ritchie, H., Samborska, V., & Roser, M. (2024). *Urbanization*. Our world in data.
https://scholar.google.com/scholar?hl=en&as_sdt=0%2C5&q=Ritchie%2C+H.%2C+Samborska%2C+V.%2C+%26+Roser%2C+M.+%282024%29.+Urbanization.+Our+world+in+data.&btnG=
28. Subroto, J. C. (2024). Safety Design Evaluation of “Suroboyo Bus” Bus Stop Towards Women Friendly Aspects in Surabaya. *PROIROFONIC*, 1(1), 283-290.
29. Tan, M. L., Mohd Shukri, I. A., Ho, J. J., O'Sullivan, E. J., Omer-Salim, A., & McAuliffe, F. M. (2024). What makes a city 'breastfeeding-friendly'? A scoping review of indicators of a breastfeeding - friendly city. *Maternal & Child Nutrition*, 20(2), e13608.
30. UNDP. (2024). *Goal 11*. <https://www.undp.org/sustainable-development-goals>.
31. *United Nations*. (2017). Breastfeeding is ‘smartest investment’ families, communities and countries can make— UN.
<https://www.un.org/sustainabledevelopment/blog/2017/08/breastfeeding-is-smartest-investment-families-communities-and-countries-can-make-un/#:~:text=Both%20UN%20agencies%20emphasize%20that,development%20and%20education%2C%20SDG%204>

32. Voukkali, I., Papamichael, I., Loizia, P., & Zorpas, A. A. (2024). Urbanization and solid waste production: Prospects and challenges. *Environmental Science and Pollution Research*, 31(12), 17678-17689.
33. Yadav, A., & Kumari, R. (2024). Gender safety perspective in urban planning: The case of pedestrian mobility in Kanpur city. *Cities*, 147, 104845.
34. Sanyal, S. (2024). Investigating Urban Inequities: Unveiling Women's Struggle against Discrimination in Literary Narratives through a Feminist Lens. *Shanlax International Journal of English*, 12(2), 64-71.
<https://doi.org/10.34293/english.v12i2.7119>